

موقف علمای شیعه امامیه

در باره ی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم

و همه ی پیامبران

نویسنده:

عبد الله بن محمد السلفي

بسم الله الرحمن الرحيم

## مقدمة

الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على المبعوث رحمة للعالمين نبينا محمد وعلى آله وصحبه أجمعين، أما بعد:

بدرستی محبت به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و پیروی از آیین او و به کار بستن سنت او بهترین عمل و بهترین طاعت است که الله متعال می فرماید: (بگو: اگر شما الله را دوست دارید، پس از من پیروی کنید تا الله شما را دوست بدارد و گناهانتان را بیامرزد، و الله بخشنده ی مهربان است)،<sup>1</sup> و می فرماید: (هرکس از پیامبر پیروی نماید به راستی که از الله پیروی کرده است).<sup>2</sup>

بخشی از محبت او صلی الله علیه وسلم، اعطای مقام والایی است که الله تعالی به او ارزانی داشته است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم گرمی ترین مخلوق در نزد الله متعال است و او اسوه، و اسوه جهانیان است، جز پس از شناختن او و ایمان

---

1 [آل عمران: 31]

2 [النساء: 80].

آوردن به او و آنچه آورده است، اطاعت از او در آنچه امر کرده و اجتناب از نهی و سرزنش او، و پرستش الله را جز به آنچه او تشریع کرده است.

این کتاب موضوع مهمی را روشن می کند که تا آنجایی که من می دانم هیچکس در تحقیق مستقلی به آن نپرداخته است و آن (موقف علمای شیعه امامیه نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و بقیه انبیاء و پیامبران است).

شیعه های امامیه شعار وفاداری به خاندان پیامبر علیهم السلام را مطرح می کنند و با پیروی از رویکرد آنان، خود را با محبت با آنها به حساب می آورند، اما در حقیقت، این به اصطلاح محبت تنها یک حيله است، که عقیده نادرست خود را در میان مسلمانان گسترش دهند، و در این کتاب به طور مفصل روایاتی را که به ادعای خود به ائمه ها نسبت داده اند و روایاتی از علمای بزرگ خود را که از مقام حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم می کاهد، که برای جهانیان صلوات الله علیه و آله و سلم فرستاده شده اند و همچنین به طور کلی به روایاتی که از بقیه انبیاء علیهم السلام انتقاد می کند استناد می کنیم و ذکر می کنیم که هر چه پیش آمد انبیاء از نظر مصیبت ناشی از عدم اعتراف به ولایت امامان بوده اند!!

هدف من این است که جایگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را در بین اهل سنت و میان شیعیان امامیه را روشن کنم، و توضیح دهم که قصد واقعی آنها این است که اگر به رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم حمله کنند، به چالش کشیدن اسلام و پایه های محکم آن است، که برگزیده پروردگار آسمان هاست، پس اگر از پیامبر پیروی نکنیم، به الله پناه می بریم.

علمای شیعه امامیه، رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را به گونه ای ترسیم کرده اند، که گویی مردی ضعیف و مسکین، که قدرت و توانایی نداشته، و شهادت تصمیم گیری و ابلاغ دین را نداشته، از سوی دیگر، در می یابیم که تصمیم گیرنده و شخص شجاعی که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را در همه حال یاری می کند، علی ابن ابی طالب رضی الله عنه است.

بدرستی که عقیده شیعه امامیه در تضادهای بسیار است که افراط گرایی در مورد علی و اولاد او و خاندان او و بیگانگی در مورد انبیاء و پیامبران خدا را که صلوات الله علیهم اجمعین باشد، گرد هم می آورد، بنابراین ادعای محبت به خاندان پیامبر از پایه و اساس سقوط می کند زیرا شیعیان امامیه، پیامبر که همه ی خاندان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم از او است،

مورد اعتراض قرار می دهند. هر که به پیامبر صلی الله علیه و آله تهمت بزند، به نسلی که توسط او تربیت شده و از مکتب او فارغ التحصیل شده اند، تهمت زده است.

امام مالک رحمه الله علیه درباره شیعیان می فرماید: «اینها کسانی هستند که می خواستند به پیامبر صلی الله علیه و آله تهمت بزنند، اما نتوانستند، به اصحاب او تهمت زدند. اینکه که گفته شود: مرد بدی است و اگر مرد خوبی بود، اصحابش خوب بودند»<sup>1</sup>.

از الله متعال می خواهیم که کار ما را خالصانه برای خودش قرار دهد، و درود خدا بر پیامبر ما محمد صلی الله علیه وسلم و همه ی اهل بیت و یارانش باد. وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین.

مؤلف:

عبد الله بن محمد السلفي

الأربعاء 11 / شعبان / 1442هـ

---

<sup>1</sup> . ابن تیمیہ در الصارم المسلول (ص 580) آن را ذکر کرده است. آنچه امام مالک رحمه الله فرمودند قبل از ظهور روایات زیو سؤال بردن پیامبر صلی الله علیه و آله بود که در مهمترین کتب مردم به چاپ رسیده بود.

فصل اول: دارای دو بخش است

## مبحث اوّل: عقیده اهل سنت در مورد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و بقیه انبیاء علیهم السلام.

یکی از عقاید ثابت اهل سنت این است که پیامبران علیهم السلام بهترین انسانها هستند، و بهترین آنها پیامبر ما محمد صلی الله علیه و آله و سلم است، که خداوند ما را به دوست داشتن و در محبت او بدون افراط و تفریط سفارش کرده است، الله تعالی می فرماید: ﴿بدون شک ما تو را به عنوان گواه و مژده رسان و بیم‌دهنده فرستادیم. ﴿8﴾ تا به الله و پیامبرش ایمان بیاورید و او را یاری دهید و او را بزرگ دارید و بامگاهان و شامگاهان الله را تسبیح گوید﴾<sup>1</sup>.

پس خداوند تبارک و تعالی فرمود: حق مشترک بین او و رسولش صلی الله علیه و آله و سلم است که ایمان و حق مخصوص اوست و حق تعالی که تسبیح و ستایش است، و حق مخصوص پیامبرش صلی الله علیه و سلم، که

---

<sup>1</sup>. [الفتح: 8-9].



او را مورد ستایش و تکریم قرار دهید.

"که اسم او جامع برای پیروزی و حمایت و جلوگیری از هر چیزی است که به او آسیب می‌رساند. که هر چیزی را که در آن آرامش و سکون تکریم و عزت است، گرد هم می‌آورد و به گونه‌ای با عزت و احترام و تکریم رفتار می‌کند که آن را از هر چیزی که آن را از حد حرمت خارج می‌کند حفظ کند"<sup>1</sup>.

منظور از تسبیح آن است که در لغت به کار می‌رود، چنانکه در لغت گفته می‌شود: "فلانی در میان مردم عظمت دارد حرمتی که به خاطر آن تحلیل شده است"<sup>2</sup>.

اگرچه کلمه تسبیح در متون شرعی نیامده است، اما برای نزدیک کردن معنا به ذهن شنونده با کلمه‌ای که معنای مورد نظر از توییخ و تکریم را می‌رساند، به کار می‌رفته است.<sup>3</sup>

---

<sup>1</sup> . الصارم المسلول، لابن تیمیة: (ص422).

<sup>2</sup> . انظر: لسان العرب، لابن منظور: (3005/4).

<sup>3</sup> . انظر: حقوق النبي صلى الله عليه وسلم على أمته، د. محمد التميمي: (422/2).

اهل سنت اهل بيت پيامبر صلى الله عليه و آله و سلم را دوست دارند و او را به اين حيثيت تکریم می کنند و او را در مقام والایي که خداوند به او ارزانی داشته است می گیرند و او و فرزندان را بر خود مقدم می دارند.

- خداوند تبارک و تعالی او را به گونه ای متمایز ساخت که هیچ انسانی را بر او برتر نکرد و او را به کرامات و خصوصیات فراوانی داد، که صلوات الله علیه او را از دیگران ممتاز ساخت، از جمله:

- این که او سید فرزندان آدم است از ابوهیره رضی الله عنه ثابت شده است که گفت: (کنا مع النبي صلى الله عليه وسلم في دعوة، فرفع إليه الذراع وكانت تعجبه، فَتَهَسَ مِنْهَا نَحْسَةً، وقال أنا سید القوم يوم القيامة)<sup>1</sup>.

- از جمله این است که او دوست الرحمن است از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه که فرمود: رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم فرمودند:

---

<sup>1</sup> . البخاري رقم (4712)، ومسلم رقم (194).

(ألا إني أبرأ إلى كل خلٍّ من خِلِّه، ولو كنت متخذاً خليلاً، لاتخذت أبا بكر خليلاً، إن صاحبكم خليل الله)<sup>1</sup>.

- این فضیلت جز پیامبر ما و ابراهیم خلیل علیهم السلام برای شخص دیگری ثابت نشده است.

- از جمله این است که با ابلاغ رسالت بر انبیا گواه است و در قیامت بر اعمال امت خود گواه است، ابوسعید رضی الله عنه فرمود: رسول الله صلى الله عليه وسلم و بر او را درود فرست، فرمود: (يحيى نوح وأُمته، فيقول الله تعالى: هل بلغت، فيقول: نعم أي رب، فيقول لأُمته: هل بلغكم، فيقولون: لا ما جاءنا من نبي، فيقول لنوح: من يشهد لك، فيقول: محمد صلى الله عليه وسلم وأُمته، فنشهد أنه قد بلغ، وهو قوله جل ذكره، {وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ} والوسط العدل".<sup>2</sup>

از عقبه بن عامر رسول الله صلى الله عليه وآله و سلم روزی بیرون رفت و یکی از دعاهاى خود را برای میت دعا کرد و بر منبر رفت و

---

<sup>1</sup> مسلم، رقم (2383).

<sup>2</sup> . أخرجه البخاري (3161).

فرمود: (إني فرطُكم، وأنا شهيد عليكم، وإني والله لأنظر إلى حوضي الآن، وإني أعطيت مفاتيح خزائن الأرض، أو مفاتيح الأرض، وإني والله ما أخاف عليكم أن تشركوا بعدي، ولكن أخاف عليكم أن تنافسوا فيها)<sup>1</sup>.

از فضائل او این است که نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است، الله متعال می فرماید: { پیامبر به (تصرف در کارهای) مؤمنان از خودشان سزاوارتر است }<sup>2</sup>. شوکانی در تفسیر فتح القدیر می گوید: "اگر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آنها را به چیزی فراخواند و نفسشان به چیز دیگری فراخواند، باید آنچه را که آنها را به سوی آن دعوت کرده است، پیش ببرند و آنچه را که نفسشان دعوت کرده است به تأخیر بیندازند. آنها باید بیش از آنکه از خود اطاعت کنند، او را اطاعت کنند و اطاعت از او را بر آنچه که روحشان به آن گرایش دارد و افکارشان اقتضا می کند، ترجیح دهند"<sup>3</sup>.

- و او رضی الله عنه برای امتش امان است، چنانکه در حدیث صحیح آمده است (الستارگان امان السماء، پس چون ستارگان رفت، آسمان

---

<sup>1</sup>. أخرجه البخاري (1344) ومسلم (2296).

<sup>2</sup>. (الأحزاب: 6).

<sup>3</sup>. فتح القدیر (6/ 18).

به آن چه می رسد. وعده داده شده است و من امانی برای یارانم هستم، پس چون رفتم به اصحابم وعده داده می شود و یاران من امان امت من هستند، پس اگر اصحاب من بروند امت من آنچه را که به آنها وعده داده شده است دریافت خواهند کرد).<sup>1</sup>

- - از جمله آنها این است که الله متعال موجودات را در قبرشان آزمایش می کند. عن انس رضی الله عنه: عن رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: (هنگامی که بنده ای را در قبرش بگذارند و روی برگرداند و یارانش باشند. رفت تا صدای کوبیدن پاهایشان را بشنود، دو فرشته نزد او می آیند و او را می نشانند و می گویند: درباره این مرد محمد صلی الله علیه و آله چه می گویی؟ می گوید: شهادت می دهم که او بنده خدا و رسول اوست و گفته می شود: به جایگاه خود در دوزخ بنگرید، الله آن را با جایگاهی در بهشت جایگزین کند گفت: پس هر دو را می بیند، و اما کافر - یا منافق - می گوید: نمی دانم، می گفتم مردم چه می گویند: نه می دانستی و نه می خوانی با چکش آهنی بین

---

<sup>1</sup>. مسلم (2531).

گوش هایش و فریادی فریاد می زند که هر کسی که در کنارش است به جز سنگین ها می شنود).<sup>1</sup>

- - از فضائل او صلوات الله علیه این است که اولین کسی است که زمین بر او گشوده می شود و اولین کسی است که از ابوهریره شفاعت می شود، فرمود: رسول الله خداوند صلی الله علیه و آله فرمود: (من مولای بنی آدم در قیامت هستم و اولین کسی که قبر برای او گشوده می شود و اولین شفاعت کننده و اولین شفاعت کننده است).<sup>2</sup>

- او صاحب مقام ستوده است در حدیث ابن عمر رضی الله عنهم (همانا در قیامت مردم خمیده می شوند - یعنی به زانو نشسته اند. هر امتی از خود پیروی می کند). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می گویند: ای فلانی شفاعت کن، ای فلانی شفاعت کن تا زمانی که شفاعت بر پیامبر صلی الله علیه و آله تمام شود و آن روز است که

---

<sup>1</sup> . البخاري (1338) ومسلم (2870).

<sup>2</sup> البخاري رقم (4712)، ومسلم رقم (194).

خداوند او را به سوی خدا برانگیزد. ایستگاه ستودنی).<sup>1</sup>

- - خاتم نبوت: یکی از خصوصیات او که صلوات الله علیه و آله و سلم را ممتاز کرد این است که خداوند متعال او را برگزید و به خاتم الانبیاء برگزید و بعد از او پیامبری نخواهد بود. خداوند متعال فرمود: {محمد پدر هیچ کس از مردان شما نیست بلکه فرستاده الله و خاتم پیامبران است و الله به هر چیزی آگاه است}<sup>2</sup>.

اصل مهر همان چیزی است که قبل از آن آمده است و با بازکردن تا و کسری خوانده می شد، پس اکثریت با کسری تا «خاتم» می خواندند. عاصم با گشودن آن را خواند و مراد از قرائت اول این است: آنها را مهر کرد، یعنی: آخرشان آمد.

مراد از قرائت دوم این است که برای آنها مانند مهری شد که به آن مهر خود را می زنند و خود را زینت می دهند زیرا او از آنهاست. یا به معنای «مهر» برای آنان مانند مهر و مهر است که نبوت را مهر زدند و بر آن

---

<sup>1</sup> . البخاري (4718).

<sup>2</sup>الأحزاب: [الآية: 40].

حک کردند، پس از او تا قیامت بر کسی باز نمی‌شود، و برخی هستند که با آن نامه‌ها مهر و موم می‌شوند تا چیزی به آنها اضافه نشود که از آنها نباشد<sup>1</sup>.

مقصود این است که او صلی الله علیه و آله آخرین پیامبری است که از سوی الله به مردم فرستاده شده است و تا زمانی که الله زمین و اهل آن را به ارث نبرد، پس از او پیامبری نخواهد آمد.

شیخ محمد آل طاهر بن عاشور رحمه الله می‌فرماید:

"در این آیه آمده است که محمد صلی الله علیه و آله و سلم خاتم پیامبران است و پس از او پیامبری در بین بشریت نخواهد بود، زیرا پیامبران جهانی هستند، پس خاتم انبیا خاتم آنهاست. خصلت نبوت... صحابه متفق القول بودند که محمد صلی الله علیه و آله و سلم خاتم رسولان و پیامبران است و این امر در میان آنان شناخته شده و تکرار شده است و در نسل‌های بعد از آنان چنین نبود در کافر اعلام کردن مسیله و اسود انسی دریغ کنید، پس در دین به اجبار معلوم شد هر کس آن را انکار کند، کافر است که

---

<sup>1</sup> . انظر تفسير الطبري (279/20)، وتفسير القرطبي (178/14)، (359/6)، وفتح القدير للشوكاني (1172/1).



اسلام را ترک کرده است، هر چند تصدیق کند که محمد صلی الله علیه و آله و سلم. او رسول الله به سوی همه مردم است".<sup>1</sup>

آلوسی رحمه الله می فرماید: مراد از خاتم ایشان صلی الله علیه و آله این است که وصف نبوت در یکی از دو ثقلین بعد از آن متوقف شد. آن حضرت در این تربیت عطا فرمود"<sup>2</sup>.

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «مثال من و پیامبران پیش از من مانند مردی است که بنایی داشته باشد. ساختمانی را زیبا ساختند، به جز جای آجری که در گوشه ای از آن قرار داشت، سپس مردم شروع به قدم زدن در آن کردند و او را تحسین کردند و گفتند: آیا این آجر را می گذارید؟ سر جایش، و من خاتم الانبیاء هستم".<sup>3</sup>

از جبیر رضی الله عنه از پدرش: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «من اسماء دارم: من محمد و من احمد هستم. و من پاک کننده ای هستم

---

<sup>1</sup> .التحریر والتنویر: (46 - 45/23).

<sup>2</sup> روح المعانی: (34/22).

<sup>3</sup> صحیح مسلم: رقم (2286).

که الله به وسیله‌ی او کفر را محو می‌کند، و من جمع‌کننده‌ای هستم که مردم به پای او گرد می‌آیند، و من عقبی هستم که پس از او پیامبری نخواهد بود" <sup>1</sup>.

از ثوبان رضی الله عنه می‌فرماید: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: "و از امت من دروغگویان خواهند بود که همگی ادعای نبوت کنند. و من خاتم انبیا هستم و بعد از من پیامبری نخواهد بود" <sup>2</sup>.

باید باور کرد که او - صلی الله علیه و آله - خاتم پیامبران است و هر که بعد از او ادعای نبوت کند دروغگو است و عیسی بن مریم سلام الله علیها وقتی در آخرالزمان نازل می‌شود، فقط بر اساس شریعت محمد - صلی الله علیه و آله و سلم - حکومت می‌کند، پس مانند فردی از این امت است، هر چند وحی بر او نازل شده باشد، ولی منحرف نشده باشد. از این

---

<sup>1</sup> . صحیح مسلم: رقم (4469).

<sup>2</sup> . أبو داود: (4252)، والترمذي: (2219)، وابن ماجه: (3952)، وأحمد: (22448)، وإسناده صحیح.

شریعت شریف است و بر این اساس هرکس در این امت ادعای نبوت کند یا ادعای رسالت کند، دروغگو و گمراه و گمراه است...<sup>1</sup>.

تکمیل دین به وسیله او صلوات الله علیه و آله: از خصوصیات و فضایل او صلوات الله علیه این است که الله به وسیله او دین را کامل کرد و نعمت خود را بر این امت تمام کرد؛ الله متعال فرمود: ﴿امروز برایتان کامل، و نعمت خود را بر شما تکمیل نمودم، و اسلام را به عنوان آیین برایتان پسندیدم﴾.<sup>2</sup>

ابن کثیر - رحمه الله - می گوید: این بزرگ ترین نعمت الله متعال بر این امت است که الله تعالی دینشان را برایشان کامل کرده است، پس نه به دین دیگری نیاز دارند و نه به پیامبری غیر از دین خود. - صلوات الله علیه - و به همین دلیل الله متعال او را خاتم الانبیاء قرار داد و او را به سوی انس و جنیان فرستاد، پس حلال نیست جز آنچه حلال کرده است. حرام جز آنچه حرام کرده است و دینی نیست جز آنچه او تشریع کرده

---

<sup>1</sup> . مجلة البحوث العلمية: (الجزء: 17، الصفحة: 101).

<sup>2</sup> . [المائدة: 3].

است و هر چه گفته حق و حقیقت است و هیچ دروغ و تناقضی در آن نیست چنانکه الله متعال فرموده است: ﴿و فرمان و سخن پروردگارت صادقانه و دادگرانه انجام پذیرفت﴾<sup>1</sup>؛ أي: صدقًا في الأخبار، وعدلاً في الأوامر والنواهي، فلما أكمل لهم الدين تمت عليهم النعمة؛ ولهذا قال تعالى: ﴿امروز برایتان کامل، و نعمت خود را بر شما تکمیل نمودم، و اسلام را به عنوان آیین برایتان پسندیدم﴾؛ یعنی: آن را برای خود بپذیرید، زیرا آن دینی است که الله آن را دوست می داشت و از آن راضی بود و بهترین رسولان ارجمند را به آن مبعوث کرد و گرامی ترین کتاب های خود را به آن نازل کرد. علی بن ابی طلحه از ابن عباس می گوید: «امروز برانتان کامل کردم، که همان اسلام است، الله به پیامبرش و به مؤمنان فرمود که اوست ایمانشان را کامل کرده است، پس هرگز نیازی به اضافه کردن آن نخواهند داشت، پس هرگز از او کم نمی کند، پس هرگز او را ناراضی نمی کند»<sup>2</sup>.

<sup>1</sup>. [الأنعام: 115].

<sup>2</sup>. تفسیر ابن کثیر (5/ 246).

ابن حزم می‌گوید: «آنها توافق کردند که دین اسلام دین الله است که جز آن دینی برای الله در روی زمین نیست و همه ادیان قبل از خود را نسخ می‌کند و هیچ دینی بعد از خود آن را نسخ نمی‌کند. که هر کس از آن با کسانی که به آن می‌رسند مخالفت کند، کافر است و همیشه در جهنم می‌ماند»<sup>1</sup>.

از عمر بن خطاب رضی الله عنه که مردی یهودی گفت: ای امیرالمؤمنین در کتاب شما آیه ای هست که اگر بر ما نازل شده بود. جماعت یهود - آن روز را تعطیل می‌گرفتیم، فرمود: کدام آیه؟ فرمود: {امروز برایتان کامل، و نعمت خود را بر شما تکمیل نمودم، و اسلام را به عنوان آیین برایتان پسندیدم}<sup>2</sup> عمر گفت: ما آن روز را می‌دانیم و جایی را که بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده است و روز جمعه در عرفات ایستاده است.<sup>3</sup>

این متن روشنی است که می‌گوید احکام این دین و قوانین آن کامل شده است و تا قیامت تغییر نمی‌کند و تغییر نمی‌کند. ابوذر گفت: رسول الله

---

<sup>1</sup> . مراتب الإجماع: (167، 173).

<sup>2</sup> . [المائدة: 3].

<sup>3</sup> البخاري (45)، ومسلم (3017).

صلی الله علیه و آله ما را رها کرد و هیچ پرنده ای نیست که در هوا بال  
بزند و علم خود را به ما یادآوری نکند.<sup>1</sup>

اینها برخی از فضائل و خصوصیات است که اهل سنت برای پیامبر ما  
حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم حفظ و در کتابهای خود ثبت  
کرده اند که حکایت از تکریم و تسبیح و محبت ایشان به پیامبرشان صلی  
الله علیه و آله دارد. بر او

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چیزی از خود به جا نگذاشته بود که از  
او مطلع شده باشد:

الله پیامبران خود را مبشّر و بیم دهنده فرستاده و آنها را با نشانه ها و دلایل  
حمایت کرده است تا آفرینش را به آنچه آفریده شده اند بیان و هدایت  
کنند.

پس حجت را بر آنان اقامه کردند و حجت را برای آنان بیان کردند و  
خیری را بدون هدایت آنان به سوی آن و هیچ بدی را بدون انداز از آن

---

<sup>1</sup> . الطبرانی فی الکبیر (1647)، وصححه الألبانی فی الصحیحة (1803).

باقی نگذاشتند. الله متعال فرمود: { آیا غیر از ابلاغ آشکار بر پیامبران چیز دیگری هست؟ }<sup>1</sup>.

و در صحیح مسلم از عبدالله بن عمرو بن العاص - رضی الله عنه - از پیامبر - صلی الله علیه و آله - می فرماید: "پیش از من پیامبری نبود. جز این که وظیفه او بود که امت خود را به بهترین چیزهایی که به آنها آموخته راهنمایی کند و از بدی که به آنها آموخته هشدار دهد".<sup>2</sup>

پیامبر ما صلی الله علیه و آله و سلم این گونه عمل کرد و امانت خود را به جا آورد و ما را بر سر راه سفید گذاشت، شبی که مانند روزش، از آن منحرف نمی شود، مگر آنکه هلاک شود.

الله تعالی فرمود: { بگو: الله را اطاعت کنید و پیامبر را اطاعت کنید، آن چه بر دوش اوست، و بر شما تکلیف شده است، و اگر از او اطاعت کنید، هدایت خواهید شد }<sup>3</sup>.

---

<sup>1</sup>. [النحل: 35].

<sup>2</sup>. صحیح مسلم: رقم (3437).

<sup>3</sup>. [النور: 54].

والله تعالى فرمودند: { رسول وظیفه ای جز رساندن پیام ندارد }.<sup>1</sup>

{ یا پاره‌ای از وعده‌هایشان را به تو نشان می‌دهیم، یا تو را می‌میرانیم،  
وظیفه ای جز رساندن پیام نداری }.<sup>2</sup>

الله به پیامبرش دستور داد که هر چه را که خداوند با آن فرستاده است،  
ابلاغ کند، پس او به فرمان پروردگارش اجابت کرد و چیزی را که خداوند  
بر او نازل کرده بود، کتمان نکرد.

قال تعالى: { ای پیامبر! آنچه را از جانب پروردگارت بر تو نازل شده  
است ابلاغ کن، و اگر چنین نکنی پیام او را نرسانده‌ای، و الله ترا از گزند  
مردم محافظت خواهد کرد، همانا الله قوم کافر را هدایت نمی‌کند }.<sup>3</sup>

ابن کثیر می‌گوید: خداوند متعال می‌فرماید بنده او رسولش محمد صلی  
الله علیه و آله و سلم را به نام رسالت خطاب می‌کند و به او امر می‌کند

---

<sup>1</sup> . [المائدة 99].

<sup>2</sup> . [الرعد 40].

<sup>3</sup> . [المائدة: الآية: 67].



که هر چه را که الله او را با آن فرستاده است و او را به او فرستاده است. صلوات الله عليه و آله و سلم آن را اجابت کرد و به طور کامل اجرا کرد<sup>1</sup>.

شیخ محمد طاهر بن عاشور در تفسیر این آیه می گوید:

آیه بیانگر آن است که پیامبر مأمور شده است همه آنچه را که بر او نازل شده است برساند، به طوری که هیچ کس تصور نکند که رسول خدا بخشی از وحی را که به او نرسانده بود ترک کرده است، زیرا اگر مقداری از آن را ترک کرد و آن را نرسانده بود، همان بود که بر او نازل شد و نازل نمی شد و چون این آیه از آخرین چیزی بود که از قرآن نازل شد، فهمیدیم که یکی از مهمترین اهداف آن این است که خداوند خواسته است جلوی دروغ کسانی را بگیرد که ممکن است ادعا کنند پیامبر چیزی را ترک کرده است که نرسانده است، یا اینکه برخی افراد را برای رساندن چیزی از وحی که به مردم ابلاغ نکرده است، اختصاص داده است. به طور کلی قطعی ترین نشانه برای ابطال این گفته رافضیان است که قرآن بیش از آنچه در قرآن است که توسط ابوبکر جمع آوری شده و توسط عثمان نقل شده است و اینکه رسول خدا بیشتر قرآن را اختصاص داده است. عنی به علی بن ابی طالب و اینکه آن را به پسرانش وصیت کرده است و به قد شتر می رسد

---

<sup>1</sup> . تفسیر ابن کثیر (151/3).

و امروز در نزد امام معصوم که بعضی از شیعیان او را مهدی منتظر می گویند نگهداری می کنند"<sup>1</sup>.

در صحیح بخاری از عایشه رضی الله عنها روایت شده است که می گوید: «هر کس به شما بگوید که محمد صلی الله علیه و آله و سلم چیزی از آنچه بر او نازل شده بود پنهان داشت. دروغ گفته است و الله می فرماید: {ای پیامبر آنچه را از جانب پروردگارت بر تو نازل شده برسان} الآية"<sup>2</sup>.

از ابوذر رضی الله عنه می فرماید: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ما را رها نکرد و هیچ پرنده ای در هوا بال نمی زند و ما را از آن یاد داده است. فرمود: پس او صلوات الله علیه و آله فرمود: (چیزی که شما را به بهشت نزدیکتر و از جهنم دورتر می کند، باقی نمی ماند جز اینکه برای شما روشن شده است)".<sup>3</sup>

---

<sup>1</sup> .التحریر والتنویر لابن عاشور (260/6).

<sup>2</sup> .البخاري رقم (4612).

<sup>3</sup> .رواه الطبراني في الكبير (1647)، وصححه الألباني في الصحيحة (1803).

از عرباد بن ساریه رضی الله عنه که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «تو را در البیضاء رها کردم، شب آن مثل روزش است پس از آن منحرف نمی شود مگر آنکه هلاک شود»<sup>1</sup>.

### دیدگاه اهل سنت نسبت به بقیه پیامبران:

انبیا و رسولان علیهم السلام در میان اهل سنت و جماعت از مقام و منزلت بالایی برخوردارند، و ائمه حق هستند و الله آنها را بر همه انسانها برگزیده است موجودات را سرمشق و اسوه بندگان مؤمن خود قرار داد: {ایشان کسانی هستند که الله آنان را هدایت نموده است، پس به هدایت آنان اقتدا کن}.<sup>2</sup>

سرگذشت آنان را مایه عبرت و خود قرار دهید و فرمود: {به راستی که در داستانهایشان عبرتی برای خردمندان است، (قرآن) سخنی نبود که به دروغ

---

<sup>1</sup> . ابن ماجه رقم (43)، وأحمد (17182). وصححه الألبانی فی "السلسلة الصحيحة" رقم (937).

<sup>2</sup> . سورة الأنعام: الآية: (90).

ساخته شده باشد بلکه تصدیق کننده کتابی است که پیش از آن است،  
و بیانگر هر چیزی است و هدایت و رحمت است برای کسانی که ایمان  
می آورند<sup>1</sup>.

الله متعال در کتاب شریف خود آنان را ستوده و آنان را بر تمامی مقربین  
خود برتری داده و می فرماید: ﴿و هرکس از الله و پیامبر اطاعت کند پس  
ایشان همنشین کسانی خواهند بود که الله به آنان نعمت داده است از  
پیامبران و صدیقان و شهیدان و شایستگان، و آنان چقدر دوستان خوبی  
هستند﴾.<sup>2</sup>

و اینکه امانت را به جا آوردند و حق را برای مردم آشکار ساختند و به  
توحیدی دست یافتند که الله متعال آنها را مبعوث کرد: ﴿و هیچ پیامبری  
را پیش از تو نفرستادیم مگر اینکه به او وحی کردیم که هیچ معبود بر حقی  
جز من نیست. پس مرا پرستید﴾<sup>3</sup> وقال جل جلاله: ﴿و به یقین ما به

---

<sup>1</sup>. [یوسف: 111].

<sup>2</sup>. [النساء: 69].

<sup>3</sup>. [الأنبياء: 25].

میان هر امتي پیامبري را فرستادیم (تا به مردم بگویند): خداوند را پرستید و از طاغوت پرهیزید<sup>1</sup>.

ترجیح هیچ انسانی بر آنان جایز نیست امام طهوی در توضیح عقیده اهل سنت می فرماید: «و ما هیچ يك از اولیا را بر هیچ يك از پیامبران ترجیح نمی دهیم و می گوئیم: يك پیامبر بهتر از آن است.»<sup>2</sup>.

### عصمة الأنبياء عليهم السلام:

عصمت آن چیزی است که از لغزش ها و اشتباهات محفوظ است و از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اعتراف به اشتباه یا فراموشی که بر انسان وارد می شود محفوظ است بر پیام یا نبوت او، صلوات الله علیه و آله تأثیر بگذارد. عصمت آن چیزی است که از لغزش ها و اشتباهات محفوظ است و از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اعتراف به اشتباه یا فراموشی که بر انسان وارد می شود محفوظ است بر پیام یا نبوت او، صلوات الله علیه و آله تأثیر بگذارد.

---

<sup>1</sup>. [النحل: 36].

<sup>2</sup>. شرح العقيدة الطحاوية: (ص 493).

عصمت در سه چیز است:

اول: عصمت نسبت به وحی رسیده و ابلاغ شده.

دوم: عصمت در ارتکاب گناهان کبیره.

سوم: عصمت نسبت به افتادن در گناهان.

این سه ، سوره های عصمت است که الله متعال انبیاء و رسولان خود را با آنها ممتاز کرده است.

امت پذیرفته اند که رسولان خدا صلی الله علیه و آله و سلم در حمل رسالت و ابلاغ وحی معصوم هستند، پس چیزی از آنچه خداوند بر آنها نازل کرده فراموش نمی کنند و کوتاهی نمی کنند. کتمان نکنید و دروغ نگوئید. خداوند متعال می فرماید: ﴿ و از روی هوی و هوس سخن نمی گوید.

﴿3﴾ آن چیزی که با خود آورده و با شما در میان نهاده است، جز وحیی نیست که بر او فرستاده می‌شود.<sup>1</sup>

وقال تعالى: { ما (قرآن) را بر تو خواهیم خواند و تو دیگر آن را فراموش نخواهی کرد ﴿6﴾ مگر آنچه را که خدا بخواهد }<sup>2</sup>.

وقال جل ذكره: { ای پیامبر! آنچه را از جانب پروردگارت بر تو نازل شده است ابلاغ کن، و اگر چنین نکنی پیام او را نرسانده‌ای }<sup>3</sup>.

شیخ الاسلام ابن تیمیه - رحمه الله - می‌فرماید: (... اهل سنت اتفاق نظر دارند که انبیا در آنچه درباره خداوند متعال می‌گویند معصوم هستند و این هدف از رسالت است، زیرا رسول خدا کسی که اوامر و نواهی و اخبار الهی را ابلاغ می‌کند و آنان در ابلاغ رسالت با موافقت مسلمین معصومند، به گونه ای که هیچ گونه خطا و اشتباهی در آن ثابت نشود).<sup>4</sup>

---

<sup>1</sup>. [النجم: 3-4].

<sup>2</sup>. [الأعلى: 6-7].

<sup>3</sup>. [المائدة: 67].

<sup>4</sup>. منهاج السنة (470/1 - 471).

این با توجه به شرایط انبیا در ابلاغ وحی است؛ در مورد دیگر شرایط آنها، عقیده پیشینیان این است که مرسلان، انسان‌هایی هستند که به علائم و بیماری‌هایی مبتلا هستند که برای سایر انسان‌ها پیش می‌آید، با این تفاوت که خداوند آنها را از گناهان کبیره و گناهان صغیره که حاکی از ذات پست است حفظ کرده است.

در مورد گناهان صغیره که حاکی از پستی و پستی نیست، اکثر علما بر این عقیده اند که جایز بودن آنها از پیامبران است، جز اینکه خداوند اجازه نمی‌دهد که آنها را انجام دهند به سرعت پایین می‌آید، تصحیح، راهنمایی و هدایت می‌کند.

ابن تیمیه رحمه الله می‌فرماید: (این قول که پیامبران از گناهان کبیره معصومند نه صغیره، نظر اکثر علمای اسلام و همه فرقه‌هاست تا جایی که نظر اکثریت است). علمای کلام همانطور که ابوالحسن عمیدی گفته است که این نظر اکثر اشاعره است و نظر اکثر علمای تفسیر و حدیث



و فقیهان است، بلکه چیزی از پیشینیان گزارش نشده است. ائمه و صحابه و تابعین و تابعین آنها جز آنچه موافق این قول باشد...<sup>1</sup>

ابن بطال رحمه الله می گوید: (امت اجماع کردند که در رسالت معصوم هستند و گناهان کبیره از آنها مرتکب نمی شود و در این که آیا گناهان صغیره بر آنها جایز است یا خیر اختلاف کردند. معتزله و خوارج متفق القول کردند که انجام گناه بر آنها جایز نیست... اهل سنت گفتند: از پیامبران صغیره جایز است و به عنوان دلیل استدلال کردند که خداوند متعال خطاب به رسولش فرمود: ﴿لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ﴾ [الفتح: 2] فأضاف إليه الذنب، وقد ذكر الله في كتابه ذنوب الأنبياء فقال تعالى: ﴿وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى﴾<sup>2</sup>، وقال نوح لربه: ﴿پسرم از خاندان من است﴾<sup>3</sup>، فسأله أن ينجيه، وقد كان تقدم إليه تعالى فقال: ﴿و با من درباره ستمگران گفتگو مکن، بی گمان آنان غرق خواهند شد﴾ هود:

---

<sup>1</sup> . مجموع الفتاوى: (319/4).

<sup>2</sup> . [طه: 121].

<sup>3</sup> . [هود: 45].

[37]، وقال إبراهيم: ﴿وكسی که امیدوارم گناهانم را در روز جزا بپامرزد﴾<sup>1</sup>،

وفي كتاب الله تعالى من ذكر خطايا الأنبياء ما لا خفاء به).<sup>2</sup>

ابن عبدالبر رحمه الله می گوید: (معلوم است که او (صلی الله علیه و آله و سلم) جز صغیره کفاره نداد، زیرا هرگز گناه کبیره انجام نمی دهد و نمی کند. و نه هیچ یک از پیامبران از گناهان کبیره معصومند، صلوات الله علیهم اجمعین)<sup>3</sup>.

آمدی رحمه الله می فرماید: (... اما آنچه گناه کبیره نیست، یا از آن جهت است که مستلزم قضاوت مرتکب رذالت و پستی و از دست دادن جوانمردی است. مانند ربودن هدیه یا وقفه، پس حکم آن همان حکم گناه کبیره است و آنچه از این قسم نیست، مانند نگاه یا کلام نادر و سفیهانه در با حالت غضب، اکثر اصحاب ما و اکثر معتزله، بر خلاف شیعه

---

<sup>1</sup>. [الشعراء: 82].

<sup>2</sup>. شرح ابن بطلال لصحيح البخاري: (439/10 - 440).

<sup>3</sup>. الاستذکار لابن عبد البر: (266/3).

عموماً و خلاف جبائی و نظام و جعفر، اجماع کرده اند که عمداً یا غیر عمد است. بن مبشیر در مورد عمل عمدی).<sup>1</sup>

نووی رحمه الله می فرماید: (آنان در وقوع گناهان صغیره دیگر اختلاف کردند، لذا اکثر فقها و محدثان و متکلمان از پیشینیان و نسل ها بر جواز آن نظر داشتند. تا از آنها به وجود بیاید).<sup>2</sup>

ذهبی رحمه الله می فرماید: (بعضی از آنها مرتکب گناه می شوند ولی به آن اعتراف نمی کنند و اصلاً به خطا و فحشا اعتراف نمی کنند و از هر چیزی که به نبوتشان تهمت می زند مبرا هستند). و عموم مردمی که ریزه کاری برایشان حلال است، می گویند از چیزی جز تصمیم بر آن معصومند).<sup>3</sup>

اکثر علما ادعای خود را با شواهدی تأیید کرده اند:

---

<sup>1</sup> . الإحكام في أصول الأحكام: (226).

<sup>2</sup> . شرح صحيح مسلم للنووي (3 / 54).

<sup>3</sup> . المنتقى من منهاج الاعتدال في نقض كلام أهل الرضا والاعتزال (ص 50).

- آدم با خوردن از درختی که خداوند متعال او را از خوردن آن نهی کرد، نافرمانی کرد. { و آنگاه که به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده ببرید، پس سجده بردند به جز ابلیس که سرباز زد ﴿116﴾ پس گفتیم: ای آدم! این دشمن تو و همسرت است، پس شما را از بهشت بیرون نکند، تا به رنج درافتی ﴿117﴾ و تو در آن بهشت نه گرسنه می شوی، و نه برهنه می مانی ﴿118﴾ و تو در آن نه تشنه می شوی و نه گرمای خورشید می بینی ﴿119﴾ پس شیطان او را به وسوسه انداخت، گفت: آیا تو را به درخت جاودانگی و ملک فنا ناپذیر رهنمود کنم؟ ﴿120﴾ سرانجام هر دو نفر از آن درخت خوردند، و شرمگاه‌هایشان آشکار شد و شروع کردند از برگ (درختان) بهشت بر خودشان می چسپانند، و آدم از فرمان پروردگارش سرپیچی کرد و گمراه شد.<sup>1</sup>

آیه بسیار روشن و گویای مقصود است، زیرا به وضوح نافرمانی آدم از پروردگارش را بیان کرده است.

---

<sup>1</sup>. [طه: 116-121].

- و نوح در مورد فرزند کافرش پروردگارش را خواند و نوح پروردگارش را خواند و گفت: { و نوح پروردگارش را صدا زد و گفت: پروردگارا! پسر من از خاندان من است و وعده تو راست است }<sup>1</sup>، فلامه ربه علی مقالته هذه، وأعلمه أنه ليس من أهله، وأن هذا منه عمل غير صالح (گفت: ای نوح! او از خاندان تو نیست، به راستی که این، عمل ناشایست است، بنابراین آنچه را که از آن آگاه نیستی از من نخواه. من به تو پند می‌دهم که از نادانان نباشی)<sup>2</sup>، فاستغفر ربّه من ذنبه وتاب وأتاب (گفت: پروردگارا! من به تو پناه می‌برم از اینکه چیزی را از تو بخواهم که بدان آگاه نباشم، و اگر مرا نیامرزی و بر من رحم ننمائی از زیان کاران خواهم بود)<sup>3</sup>.

- وداود علیه السلام تسرع في الحكم قبل سماع قول الخصم الثاني، فأسرع إلى التوبة فغفر الله له ذنبه (بنابراین، از پروردگار خویش آمرزش خواست و به سجده افتاد و توبه کرد. ﴿24﴾ و ما این را بر او بخشیدیم)<sup>4</sup>.

<sup>1</sup>. [هود: 45].

<sup>2</sup>. [هود: 46].

<sup>3</sup>. [هود: 47].

<sup>4</sup>. [ص: 24-25].

- پیامبر ما محمد صلی الله علیه و آله و سلم به خاطر اخم هایش به مرد نابینا، ابن ام مکتوم، و مشغول شدن به او از سوی ظالمان کفر که آنها را به سوی خدا می خوانند، مورد سرزنش قرار گرفت هر کس خواستار آنچه نزد خداست، همان چیزی است که باید از جانب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم باشد: ﴿1﴾ (روی خود را عبوس کرد و اعراض نمود). ﴿2﴾ که آن نابینا پیش او آمد. و تو چه می دانی، چه بسا او پاک می شد. ﴿3﴾ یا اندرز می شنید و آن اندرز به او سود می رساند.<sup>1</sup>

او را نیز در امور دیگر سرزنش می کرد و پیامبران دیگر علیهم السلام را سرزنش می کرد.

این امور، نخبگان خلقت و الگو بودن آنها را بدنام نمی کند، زیرا پیامبران نه به گناه اعتراف می کنند و نه توبه را به تأخیر می اندازند، و بعد از توبه کاملتر می شوند نسبت به قبل از آن.

---

<sup>1</sup>. [عبس: 1-4].

توضیح این مطلب این است که رسولان و پیامبران انسان هستند و خداوند آنان را در رساندن رسالت و رساندن آن حفظ کرده است، پس نه چیزی را فراموش می کنند و نه چیزی کم دارند، و به این ترتیب وحی که خداوند بر آنان نازل کرده است. کسانی که مبعوث شده اند به طور کامل و کامل به آن می رسند، همانطور که خداوند متعال خواسته است، و این عصمت در همه چیز با آنها همراه نیست، به دلیل انسان بودنشان، ممکن است با تجاوزات کوچک باشد، اما رحمت خداوند بر آنها عنایت می کند. ، پس خداوند آنها را از خطاهایشان آگاه می کند و آنها را به توبه و روی آوردن به سوی خود راهنمایی می کند.<sup>1</sup>

عصمت همان گونه که علما توافق کرده اند، فقط برای انبیا ثابت شده است. فرمود: (همه بنی آدم خطا می کنند و بهترین گناهکاران کسانی هستند که توبه کنند.) این متن کلی است و فقط پیامبران از آن دلیل می آورند.

---

<sup>1</sup> . انظر كتاب: الرسل والرسالات لعمر الأشقر (ص 107).

مبحث دوم: جایگاه امامت در میان شیعیان دوازده امامی

امامت: برای شیعیان از پایه های دین و از ارکان اسلام است.

شیخ و محقق آنها جعفر سبحانی در کتاب (الملال و النحل) تحت عنوان (آیا امامت از مبدأ است یا یکی از فروع) می گوید: [شیعه کاملاً اجماع کرده اند که یکی است. از مبانی دین است و در کتب خود ثابت کرده



اند و به همین دلیل اعتقاد به امامت ائمه یکی از الزامات ایمان واقعی آنهاست...]<sup>1</sup>.

محمدرضا آل مظفر می گوید: ما معتقدیم که امامت از پایه های دین است و ایمان کامل نمی شود مگر با ایمان به آن]<sup>2</sup>.

خمینی می گوید: [امامت یکی از پایه های دین اسلام است]<sup>3</sup>.

بلکه شیعیان امامیه دو شهادت را که اساس دین و مبنای پذیرش کار است، کنار گذاشتند و این امامت ادعایی را به جای خود قرار دادند.

در اصول کافی از ابوجعفر آمده است: «اسلام بر پنج چیز بنا شده است: نماز، زکات، روزه، حج و ولایت، و چیزی به عنوان ولایت خوانده نشده است. مردم چهار چیز را گرفتند و اینها را رها کردند، یعنی ولایت)<sup>4</sup>.

---

<sup>1</sup>. الملل والنحل (1/ 257).

<sup>2</sup>. كشف الأسرار (ص 149).

<sup>4</sup>. أصول الكافي: (18/2).

ولایت در میان شیعیان دوازده امامی از ارزش زیادی برخوردار است، تا جایی که آن را شرط پذیرش کار قرار دادند و منکر امامت را به کفر و جاودانگی در دوزخ محکوم کردند.

مجلسی در کتاب بحارالانوار فصلی نوشته است که در آن آمده است: «اعمال پذیرفته نمی شود مگر با ولایت»<sup>1</sup>.

شیخ طوسی آنان اعتقاد آنان را به کافر دانستن فرقه های مسلمین تأیید می کند و می گوید: "نفی امامت کفر است، همچنان که نفی نبوت کفر است، زیرا جهل به آنها یکی است"<sup>2</sup>.

بلکه شیخ مفیدشان موافقت علمای امامیه را بر کفاره منکر امامت و استحقاق ابدیت او در جهنم ابلاغ کرد و فرمود: «امامی پذیرفتند که هر کس امامت هر یک از امامان را انکار کند و آنچه را انکار کند. خداوند

---

<sup>1</sup>. بحار الأنوار: (27/ 166).

<sup>2</sup>. [تلخیص الشافی للطوسی 4/ 131].

متعال او را به وجوب اطاعت امر فرموده است، پس او کافر گمراهی است که سزاوار ابدیت در جهنم است».<sup>1</sup>

### امامت ادامه نبوت است

ابن بابویه قمی می گوید: «امامان مثل رسولان هستند، فرمانشان فرمان خداست، اطاعتشان اطاعت خداست و نافرمانیشان نافرمانی خداست و سخنی نمی گفتند». مگر در مورد خداوند متعال و از وحی او<sup>2</sup>.

محمد حسین کشف الغیبه می فرماید: امامت مقامی الهی است مانند نبوت همان گونه که خداوند متعال از میان بندگان هر که را بخواهد برای نبوت و رسالت برمی گزیند و او را با معجزاتی حمایت می کند که مانند متنی از جانب خداوند است، {و پروردگارت می آفریند. آنچه را که بخواهد و بهترین را برای آنان برمی گزیند} پس هر که را بخواهد برای امامت برمی گزیند و به پیامبرش امر می کند که آن را تجویز کند و او را برای مردم بعد از خود امام قرار دهد».<sup>3</sup>

---

<sup>1</sup> . أوائل المقالات للمفيد: (ص 44).

<sup>2</sup> . الاعتقادات لابن بابويه (ص 106)، وللمزيد راجع كتابي: "الشيععة الإمامية وتكفيرهم لعموم المسلمين/ عبد الله السلفي".

<sup>3</sup> . أصل الشيعة وأصولها (ص 58).

نعمت الله جزایری می فرماید: امامت عام آن است که از مرتبه نبوت و رسالت بالاتر باشد<sup>1</sup>.

هادی الطهرانی می گوید: امامت از نبوت مهم تر است، زیرا آن مرتبه سومی است که خداوند ابراهیم علیه السلام را پس از نبوت و نیکی به آن بزرگداشت<sup>2</sup>.

ابن بابویه قمی می گوید: «اعتقاد ما به منکر امامت امیرالمؤمنین و امامان بعد از او این است که او در مقام منکر نبوت انبیاء است. اعتقاد ما نسبت به کسی که امیرالمؤمنین را تصدیق کند و امامان بعد از او را تکذیب کند در مقام کسی است که به همه پیامبران ایمان آورده و سپس نبوت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را انکار کند. خانواده اش<sup>3</sup>.

شیعیان به خاطر همین مقام والای امامت، حساب می کردند و برای دفاع از مقام و حرمت آن، آن را مطرح می کردند و بر همه حرم ها و مقدسات

---

1. زهر الربیع (ص 12).

2. ودائع النبوة: (ص 114).

3. الاعتقادات لابن بابویه (ص 111).

دیگر برتری می دادند! حتی اگر با تعرض به پیامبران صلی الله علیه و آله و خاتم آنان صلوات الله علیه باشد.

همانطور که بعداً خواهد آمد، هر پیامبری که امامت علی را رد کند، او را در معرض خشم و عذاب الهی قرار می دهد تا زمانی که او توبه کند و به آن ایمان بیاورد، ما از این عقاید نادرست به خدا پناه می بریم.

## فصل دوم:

طعن زدن به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

و بقیه انبیا و پیامبران

## دارای دو مبحث است:

بعد أن بَيَّنَّا عقيدة أهل السنة والجماعة في النبي صلى الله عليه وسلم وفي سائر انبياء ورسولان - به طور خلاصه - که بر اساس محبت، تکریم، پیروی و تقلید است، در می یابیم که جایگاه انبیا و رسولان را در نقطه مقابل آن قرار داده اند از امامان دوازده گانه، و مقام و منزلت پیامبران را حفظ نکردند، و بدون توجه به حرمتشان و مقامشان نزد خداوند متعال، شروع به انتقاد از آنها کردند.

زیرا هدف بنیانگذاران این دین - که کاملاً با دین ما متفاوت است - ضربه زدن به اسلام از درون و تغییر ویژگیهای آن بوده است، لذا شروع به کوچک شمردن پیامبران، تحقیر مقام آنها و به اصطلاح امامان کردند. قداست و منزلت بزرگی که از مقام انبیاء علیهم السلام فراتر است، تا مردم را از کسانی که خداوند آنها را با قوانین برای توضیح برای مردم فرستاده است منحرف کنند و آنها را به توحید خدا و عبادت خود دعوت کنند.

آنها در کتب و روایات خود فرموده اند که ائمه از همه پیامبران برترند، ولی پیامبر ما محمد صلی الله علیه و آله و سلم را - از روی تقوا - استثنا کردند تا در مقابل مسلمانان شرمنده نشوند. با این حال، کسانی که به روایات آنها عمل می کنند، به دلیل امتیازات و معجزاتی که به امامان خود داده اند، ترجیح می دهند و درود بفرستید علاوه بر روایات صریح که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و شرافت و شخصیت او را به چالش می کشد.



مبحث اول: هجوم آنان به پیامبران صلی الله علیه و آله به جز پیامبر  
صلی الله علیه و آله و سلم.

رسولان صلی الله علیه و آله و سلم بر اساس توافق مسلمانان بهترین انسانها  
هستند. همان گونه که خداوند متعال آنان را برگزید و برای کمال بندگی و  
ابلاغ رسالت و دعوت مردم و هدایت مردم به سوی آنچه در دنیا و  
آخرت به نفعشان باشد، آماده کرد. خداوند متعال فرمود:

{ خداوند بهتر می داند که رسالت خود را کجا قرار دهد }<sup>1</sup>.

خداوند خلق را موظف به پیروی از آنها کرده است. خداوند متعال فرمود:  
{ و ما هیچ رسولی را نفرستادیم مگر برای اینکه به اذن خدا از او اطاعت  
شود } و هیچ انسانی بر آنان برتری ندارد. الطحاوی در توضیح عقیده  
اهل سنت می فرماید: (ما هیچ یک از اولیا را بر هیچ یک از پیامبران

---

<sup>1</sup>. [الأنعام: 124].

صلی الله علیه و آله ترجیح نمی دهیم و می گوئیم: یک پیامبر از همه اولیا  
بہتر است).

مردم سه قرن متفق القول بر ارجحیت پیامبران بر دیگران اتفاق نظر دارند<sup>1</sup>.  
شیخ الاسلام ابن تیمیہ می گوید: پیشینیان امت و ائمہ و ہمہ اولیای  
خداوند متعال بر این کہ پیامبران برتر از اولیایی کہ پیامبر نیستند اتفاق نظر  
داشتند<sup>2</sup>.

در مورد مذهب شیعه اثنی عشری، ائمہ از پیامبران برترند و در نزد خداوند  
از مقام و منزلت بالاتری برخوردارند.

امامان از ہمہ انبیا و رسولان بہ جز محمد صلی الله علیه و آله وسلم  
برترند.

مفید در کتاب «اوائل المقال» در مورد مقایسه انبیا و ائمہ می گوید:

---

<sup>1</sup> . انظر: "مختصر الصواعق المرسله لابن الموصلي" (ص 186 . 187).

<sup>2</sup> . مجموع الفتاوى (221/11).

"گروهی از اهل امامت اظهار داشتند که ائمه علیهم السلام از آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم بر همه رسولان و پیامبران گذشته جز پیامبر ما محمد صلی الله علیه و آله و سلم اعتبار داده شده است. درود بر او و درود خدا بر او باد، گروهی از آنان اعلام کردند که باید بر همه انبیا - که درود خدا بر آنان باد - به آنها اعتبار داده شود، و گروهی دیگر از آنان این اعتبار را رد کردند از همه انبیا به بقیه ائمه علیهم السلام و این موضوعی است که عقلا مجالی برای وجوب و نهی از آن ندارند و در هیچ یک از اقوال اجماع وجود ندارد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در مورد امیرالمؤمنین . علیه السلام . و اولاد ائمه نیز از ائمه راستگویان از متأخران گزارش شده است و جاهایی در آن آمده است قرآنی که بر آنچه گروه اول به این معنا گفته اند عزم را تقویت می کند و من در حال بررسی آن هستم و به خدا سوگند از گمراهی در امان هستم"<sup>1</sup>.

این شیخ مفید از این دیدگاه که امامان از پیامبران برتر هستند، طرفدار دارد و ادعا می کند که با آنچه در قرآن آمده موافق است.

---

<sup>1</sup> . أوائل المقالات للشيخ المفيد (ص 70 و 71).

شیخ آنها صدوق در کتاب الهدایة خود درباره آنچه مؤمن باید بداند می گوید:

«و باید باور کند که خداوند متعال مخلوقی بهتر از محمد صلی الله علیه و آله و سلم و پس از او ائمه علیهم السلام نیافریده است و آنان محبوب ترین خلق نزد خداوند هستند. باری تعالی و ارجمندترین آنها نزد او و اولین آنان که او را تصدیق کردند، هنگامی که خداوند از انبیا در عالم اتم عهد گرفت و آنان را بر خود گواه قرار داد، آیا نمی آیی، گفتند: آری. و بعد از آنها پیامبران بودند.

و اینکه خداوند پیامبرش صلی الله علیه و آله و سلم را در عالم اتم بر پیامبران صلی الله علیه و آله و سلم مبعوث کرد و آن چه را خداوند به هر پیامبری به قدر علم ما عطا کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در تصدیق آن پیشی گرفت.

اعتقاد بر این است که خداوند تبارک و تعالی هر چه را آفرید برای خود و خانواده اش، صلوات الله علیه و آله و سلم آفرید و اگر آنها نبودند،

خداوند آسمان و زمین را نمی آفرید. نه بهشت و نه جهنم و نه آدم و نه حوا و نه فرشتگان و نه چیزی که آفریده است، درود خدا بر همه آنها باد.<sup>1</sup>

شیخ مجلسی آنها مدعی است که اهل عزم فقط به خاطر عشق به ائمه اطهار علیهم السلام اهل عزم شدند!!

مجلسی در بحارالانوار فصلی را با این عنوان نوشته است: «فصلی در رجحان آنها علیهم السلام بر پیامبران و همه خلقت و عهد گرفتن از آنها و از فرشتگان و از بقیه خلقت. و آنهایی که عزم را جزم کرده اند، جز کسانی شدند که به واسطه‌ی محبت‌شان عزم را جزم کرده اند، صلوات الله علیه»<sup>2</sup>.

فرمود: (و اخبار - یعنی اخبار آنان - در این باره بسیار زیاد است، ولی ما در این بخش تنها چند مورد از آنها را ذکر کردیم و در سوره ها، مخصوصاً

---

<sup>1</sup> . الهدایة فی الأصول والفروع (ص23).

<sup>2</sup> . (بحار الأنوار (26/26)).

باب صفات و اقسام آن پراکنده است. انبیاء علیهم السلام، سوره «انها علیهم کلام الله» و سوره «انها که از پیامبران داناترند».

مجلسی در تفسیر سخنان ابن بابویه (الصدوق) در مورد ترجیح امامان بر پیامبران می گوید:

(بدانید آنچه را که رحمه الله ذکر کرد در مورد برتری پیامبر ما و امامان ما صلوات الله علیهم السلام بر همه مخلوقات و اینکه امامان ما از همه پیامبران برترند، چیزی است. که هیچ کس از اخبار آنها علیهم السلام پیروی کند، از راه اطاعت و یقین شک نمی کند، و اخبار آن بیش از آن است که به حساب آید، این اساس امامیه است و فقط جاهل نیست آن را رد خواهد کرد).<sup>1</sup>

امامان از انبیاء علیهم السلام داناترند

---

<sup>1</sup> . بحار الأنوار (297/26 – 298).

مجلسی در کتاب بحار الانوار فصلی را با عنوان: (آنها - یعنی ائمه - از انبیاء علیهم السلام - داناترند) آورده و در آن روایات متعددی ذکر کرده است، از جمله:

اباعبدالله علیه السلام به مردی گفت: تو میوه را می مکی و آن را نهر بزرگ می گویی، آن مرد گفت: مرادت از این چیست ای پسر رسول خدا پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) کل علم پیامبران است و خداوند بر محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) وحی کرد پس محمد او را با علی (ع) نشست. آن مرد به او گفت: آیا علی (ع) بهتر می داند، سپس اباعبدالله (علیه السلام) به برخی از اصحاب خود نگاه کرد و گفت: «خداوند گوش هر که را بخواهد می گشاید». به او بگو: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیتش همه اینها را با علی (علیه السلام) ساخت و فرمود: علی (علیه السلام) داناتر است یا برخی از پیامبران!.

از عبدالله بن حماد از سیف التمر گفت: ما در حجر با اباعبدالله (علیه السلام) بودیم و گفت: بهار بر ماست؟ به راست و چپ برگشتیم و گفتیم:

«ما بر ما نیستیم». که من از آنها داناتر بودم و از آنچه در دستشان نبود به آنها خبر می دادم".

از عبدالله بن ولید السمان می گوید: باقر علیه السلام فرمود: «ای عبدالله، درباره علی و موسی و عیسی چه می گویی، گفتم: چه بگویم؟ گفت: به خدا قسم از آنها داناتر است: آری و مردم آن را تکذیب کردند، فرمود: پس در این باره با آنان مجادله کرد، به فرموده خدای تعالی به موسی: {و ما در الواح هر چه برای او نوشتیم.} پس دانستیم که همه چیز نبود. برای او نوشت، و به عیسی گفت: «و من مقداری از آن را برای تو بیان می کنم، پس فهمیدیم که او همه چیز را برای او توضیح نداده است». صلوات الله علیه و آله و سلم: {وجئنا بك على هؤلاء شهيدا ونزلنا عليك الكتاب تبينا لكل شيء}.".

از حسین بن علوان از اباعبدالله علیه السلام می فرماید: «خداوند پیامبران معین را بر پیامبران برتری داده است و ما علم آنها را به ارث بردیم و در فضیلتشان بر آنها ترجیح دادیم. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آنچه را که نمی دانستند به ما آموخت و علم رسول خدا صلی الله علیه و



آله را به ما آموخت آن را برای شیعیان ما روایت کرد، پس هر که از آنها قبول کند بهترین آنهاست و هر کجا که باشیم شیعیان ما با ما هستند".

هر اتفاقی که برای انبیا افتاد ناشی از عدم اعتراف به ولایت امامان بود!!

از ثمالی روایت شده است: «عبدالله بن عمر بر زین العابدین علیه السلام وارد شد و گفت: ای پسر حسین، آیا تو می گویی: یونس بن متی فقط با او ملاقات کرد. نهنگ چه کرد که ولایت جدّم به او پیشنهاد شد و گفت: آری، مادرت از تو بی بهره باشد، پس اگر راست می گویی؟ دستور داد چشمان او را با چشم بند و چشمان من را با چشم بند ببندند، پس از ساعتی دستور داد که چشمان ما را بگشایند و در ساحل دریا بودیم که امواج آن می کوبید، پس ابن عمر گفت: مولای من، خون من بر گردن توست، خدا در جان من است، پس گفت: برو و به او نشان بده که آیا من از صادقان بودم.

سپس فرمود: ای نهنگ، گفت: آنگاه نهنگ مانند کوهی بزرگ سر از دریا بیرون آورد و گفت: اینک تو ای ولی خدا، پس گفت: تو کیستی؟

گفت: من نهنگ یونس هستم، آقا گفت: آقا، خدای متعال از حضرت آدم، پیامبری نفرستاد، جز اینکه ولایت شما اهل بیت. بر او عرضه شد، پس هر کس از پیامبران آن را پذیرفت، سالم و رستگار شد، و هر کس دست از آن بردارد و از حمل آن باز ماند، با آنچه آدم علیه السلام با نافرمانی روبرو شد، مواجه شد. ، با غرق شدن، چه ابراهیم علیه السلام با آتش، چه یوسف علیه السلام با گودال، چه ایوب علیه السلام با مصیبت و چه داود علیه السلام. با گناه مواجه شد که خداوند یونس علیه السلام را فرستاد و خداوند به او وحی کرد: ای یونس، امیرالمؤمنین علیه السلام و امامان راشدین را از اولاد او به عهده بگیر چگونه می توانم کسی را که ندیده ام و نمی شناسمش را بر عهده بگیرم و او با عصبانیت رفت، پس خداوند متعال به من وحی کرد: «از یونس پرهیز و عظمت او را چهل صبح در شکم من ماند». با من در سه تاریکی می چرخید و ندا می داد: منزهی جز تو، من از ستمکاران بوده ام از اولادش، پس چون به ولایت تو ایمان آورد، پروردگارم به من امر کرد، پس او را بر ساحل

دریا انداختم، سپس زین العابدین علیه السلام گفت: ای نهنگ به لانه خود بازگرد. و آب صاف شده است".<sup>1</sup>

. عن ابن معروف عن سعدان عن صباح الموزنی عن حارث بن حصیره عن حبه الارنی قال: الامر. از مؤمنان صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «خداوند ولایت من را بر اهل آسمان و زمین عرضه کرده است، هر که آن را اعتراف کند، یونس آن را انکار کرده است او را زندانی کرد).<sup>2</sup>

این تهمت سنگینی است به پیامبران صلی الله علیه و آله که فرمان خدا را زیر پا گذاشته و از او سرپیچی کرده اند.

پس چگونه شیعیان می توانند شیوخ خود را در این افسانه ها باور کنند که عقل سلیم نمی تواند آن را بپذیرد آیا فریب پیروان به این درجه رسیده است؟ آیا در بین شما مرد منطقی نیست؟!.

---

<sup>1</sup> . بحار الأنوار: (401/14)، والبرهان: (37/4).

<sup>2</sup> . بحار الأنوار (391/14).

اخراج آدم و حوا علیهم السلام از بهشت به سبب حسد نسبت به  
خاندان پیامبر!!

از حمدان بن سلیمان رضی الله عنه از الحراوی می گوید: به رضا علیه  
السلام گفتم: ای فرزند رسول خدا از درختی که آدم و حوا از آن  
برخاسته است خبر بده. خوردند، مردم در مورد آن اختلاف نظر کردند:  
بعضی از آنها روایت کردند که آن انگور بود، و بعضی از آنها روایت  
کردند که آن درخت انگور است درست است، عرض کردم: مراد از  
این جهات مختلف چیست؟ درختان دنیا و هنگامی که حضرت آدم  
علیه السلام او را گرمی داشت، سجده فرشتگانش را به او یادآوری  
کرد و هنگامی که وارد بهشت شد با خود گفت: آیا خداوند انسان را  
بهرتر از من آفرید؟

خدای تعالی دانست که چه بر سر او آمده بود، پس او را صدا زد: ای  
آدم، سرت را بلند کن و به ساق عرش من بنگر، پس آدم سر خود را بلند  
کرد و به ساق عرش نگاه کرد و بر آن نوشته شده بود. معبودی جز خدا

نیست، محمد رسول الله، علی بن ابی طالب امیرالمؤمنین است و همسرش فاطمه است سروران جوانان اهل بهشت".

آدم علیه السلام عرض کرد: پروردگارا اینها کیستند؟ سپس خداوند متعال فرمود: از اولاد تو بهترند از تو و همه خلقت من اگر آنها نبودند تو را نمی آفریدم و بهشت و جهنم و بهشت و زمین را نمی آفریدم، پس از نگاه کردن برحذر باش. به آنها با چشم حسد مبادا شما را از همسایگی خود دور کنم. آدم علیه السلام با حسادت به آنها می نگریست<sup>1</sup> او آرزوی مقام آنها را داشت، پس شیطان بر او مسلط شد تا آن که از درختی که نهی کرده بود خورد، و بر حوا مسلط شد، زیرا فاطمه را با حسد می نگریست تا آن که از آن درخت خورد، همانطور که آدم خورد. پس خداوند متعال آنها را از بهشت خود بیرون آورد و در کنار زمین فرود آورد<sup>2</sup>.

**تهمت زدن به آدم علیه السلام به سقوط در اصل کفر!!**

---

1. انظر أخي القارئ كيف اتهموا أبانا آدم عليه السلام بالحسد من أجل إثبات الفضيلة المزعومة لعلي وذريته، وجعلهم أفضل الخلق على الإطلاق.

2. أنوار الولاية (ص153)، وعيون الأخبار: (ص170)، والبحار: (273/26).

علمای شیعیان دوازده امامی تنها به اتهام دشمنی حضرت آدم علیه السلام بسنده نکردند، بلکه او را به ارتکاب یکی از اصول کفر یعنی خداوند متهم کردند.

از اباعبدالله جعفر صادق روایت کرده اند که فرمود: (منشأ کفر سه است: حرص و تکبر و حسد. اما طمع وقتی که آدم علیه السلام درخت را نهي کرد، انگیزه یافت. با اشتیاق او به خوردن از آن، شیطان است که به آدم دستور داده شد، اما حسادت پسر آدم است)<sup>1</sup>.

بنگر که چگونه پدر بشریت را مثال زدند که با آن یکی از ریشه های کفر را تبیین و تبیین کردند و چگونه او را با شیطان ملعون جمع و مقایسه کردند.

پس کجایند طرفداران تقریب به این سخنان و این بدعت آشکار؟!

خمینی پیامبران را کوچک جلوه می دهد و آنها را در جایگاهی پایین تر از امامان خود قرار می دهد!!

---

<sup>1</sup> . الکافی: (باب أصول الكفر 289/2).

خمینی در کتاب «حکومت اسلامی» می گوید:

"امام دارای مقامی ستودنی و درجات رفیع و خلافت تکوینی است که همه ذرات این عالم تحت صلاحیت و سیطره آن قرار دارند، یکی از اصول عقاید ما این است که ائمه ما دارای مقامی هستند که هیچ فرشته مقربی و پیامبری نمی تواند از آن برخوردار باشد. بر اساس آنچه از روایات و احادیث داریم، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه اطهار علیهم السلام پیش از این بوده اند که این دنیا نورانی است، پس خداوند آنها را به چشم خود قرار داد. تاج و تخت او. از آنان علیهم السلام نقل شده است: ما نزد خداوند موقعیت هایی داریم که نه فرشته مقرب و نه پیامبری قادر به آن نیست"<sup>1</sup>.

خمینی که فریب عده ای از اهل سنت را خورده بود، در میان علمای شیعه که این سخن زشت و کفر صریح را بیان کردند، راه پیشینیان خود را دنبال می کند.

---

1. الحكومة الإسلامية (ص 47).

قاضی ایاض گفت: ما یقین داریم که تندروهای شیعیان کافر هستند که می گویند: امامان از پیامبران برترند"<sup>1</sup>.

امام محمد بن عبدالوهاب می فرماید: "هر کس به غیر پیامبران ایمان آورد که او بهتر از آنها و همتای آنان است، کافر شده است"<sup>2</sup>.

### خمینی مدعی است که نبوت اکتسابی است

از گمراهی ها و زیاده روی های خمینی، اعتقاد او به نبوت اکتسابی است و هر کسی که آمادگی آن را داشته باشد، اگر چهار مرحله یا سفر را طی کند، می تواند به آن دست یابد:

".. کتاب اول به مقام الفناء ختم می شود و در مقام الفناء می فرماید: و فی آن رازی است که نهفته و نهفته است او را تصحیح می کند، بعد از تجلی الوهیت به عبودیت اقرار می کند..."

---

<sup>1</sup> . الشفا بتعريف حقوق المصطفى للقاضي عياض (ص 1078).

<sup>2</sup> . رسالة في الرد على الرافضة (ص 29).



کتاب دوم با او تمام می شود تا اینکه ولایتش کامل شود و ذات و صفات و افعالش در ذات حق و صفات و افعالش نابود شود. در آن فنا نیز از فنا که محل نمان است و دایره ولایت کامل می شود.

و اما سفر سوم: به بیداری کامل می رسد و با ابدیت خدا می ماند و در عوالم قدرت و ملکوت و بشریت سیر می کند و سهمی از نبوت می گیرد، ولی نبوت تشریع را ندارد. سپس کتاب سوم به پایان می رسد و کتاب چهارم آغاز می شود.

در کتاب چهارم نبی با نبوت تشریع خواهد بود... مراحل کتاب شامل فنا و ولایت است و در آن فنا پس از فنا است. و نبوت بدون تشریع، سپس نبوت کامل که شامل این است که نبوت از طریق تمرین و مجاهدت اهل تصوف حاصل می شود"<sup>1</sup>.

---

<sup>1</sup> . مصباح الهدایة (ص 158-163).

فعلى كلام الخميني تكون النبوة مكتسبة وليست اختيارا واصطفاء من الله تعالى الوارد في قوله جل جلاله: ﴿خداوند از میان فرشتگان رسولاني را انتخاب می کند، و از میان مردم نیز، بی گمان خداوند شنوای بیناست﴾<sup>1</sup>

وقال تعالى: ﴿بی گمان خداوند آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان برتری داده است﴾.<sup>2</sup>

وقال تعالى في وصف الرسل جملة: ﴿و بی گمان آنان نزد ما از برگزیدگان نیک بودند﴾.<sup>3</sup>

وقال تعالى لموسى عليه السلام: ﴿خدا فرمود: ای موسی! ترا با رسالت خویش و سخن گفتنم با تو بر مردم برگزیدم﴾.<sup>4</sup>

---

<sup>1</sup>. [الحج ٧٥].

<sup>2</sup>. [آل عمران: 33].

<sup>3</sup>. [ص: 47].

<sup>4</sup>. [الأعراف: 144].

بنابراین، به اختصار به هجمه شیعیان امامیه به انبیاء و رسولان علیهم السلام اشاره کردیم، به آنچه ذکر شد اکتفا می کنیم تا بار طولانی بر خواننده محترم وارد نشود.

### مبحث دوم: طعن زدن به پیامبر صلی الله علیه وسلم

این مبحث را به ارائه روایات شیعه اختصاص می دهیم که مولای خلق رضوان الله تعالی علیه را که مبدأ اهل بیت است، حتی بر اساس عقیده شیعه، به چالش می کشد اهل بیت» در اعتقاد شیعه شامل صاحب خانه و اصل و سر آن نمی شود! اما تقدیس برای کسانی است که کمتر از او هستند!!

این را از آنچه در کتب شیعه آمده و از روایاتی که به امامان خود نسبت داده اند و از سخنان علما و مراجعشان به تفصیل بیان خواهیم کرد.

**علی بن ابی طالب رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بالاتر است!!**

از جمله تجاوزاتی که به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ذکر شد، آنچه مجلسی و دیگر علمای شیعه امامیه در تبیین مقام علی بن ابیطالب رضی الله عنه نقل کرده اند که در روایت ذکر شده است که علی. رضی الله عنه خود را با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مقایسه و موازنه کرد و ذکر کرد که خداوند متعال صفاتی را به او عطا فرمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در آنها شریک بود. با او بود و خداوند صفات دیگری به او داد که هیچ انسانی بر او سبقت نداشت، حتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم!

وإليك نص الرواية:

از اباعبدالله جعفر صادق علیه السلام می فرماید که امیرالمؤمنین علی علیه السلام غالباً می فرماید: «من انفکم الله بین بهشت و جهنم و من اکبر میز. و من صاحب عصا و نشانم<sup>1</sup>، همه فرشتگان و رسولان برای من همان گونه تصدیق کرده اند که برای محمد صلی الله علیه و آله و سلم تصدیق کرده اند و بر من باری شبیه بار پروردگار و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر دوش گرفته شده است. صلوات الله علیه را فیکسی می گویند و او را فیکسی می گویند و از او می پرسند و می پرسند. ویژگی هایی به من داده شده است که هیچ کس قبل از من هرگز به آن دست نیافته بود. مقدرات و بلاها و شجره نامه ها و جزئیات گفتمان را می دانستم، اما آنچه پیش آمد مرا ناکام نگذاشت و آنچه از من غایب بود از من دور نشد»<sup>2</sup>.

---

<sup>1</sup> . المیسّم: اسمٌ للآلة التي يُوسَم بها، أو المِكْوَةُ التي تُوسَم بها الدَّوَابُّ. أي أن علياً رضي الله عنه هو دابة الأرض التي تسم المؤمن بين عينيه وتسم الكافر بين عينيه ومعها عصا موسى وخاتم سليمان، فتجلو وجه المؤمن بالعصا وتختم أنف الكافر بالخاتم حتى يقال: يا مؤمن ويا كافر. (مجمع البيان في تفسير القرآن للطبرسي 231/7). يقصدون بالمؤمن: الشيعي، والكافر: كل من خالفهم.

<sup>2</sup> . بحار الأنوار (360\_352/25)، والأُمالي: (129-128).

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در برخی صفات با علی برابری می کند و برخی از صفات را به دلیل انسان بودن به دست نیاورده است و هیچ انسانی هر اندازه که مقام و منزلتش بالا باشد، نیست. قادر به تصاحب آنها.

و اما علی بالاتر از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است و همه صفات برای او مهیا است، زیرا مقام او به اعتقاد شیعیان امامیه بالاتر از مقام انسان است و از این جهت. چرا که صفات خدای متعال را نیز به او نسبت دادند - به دروغ و باطل - که گفتند: علی بالاتر از پیامبر صلی الله علیه و آله است. درود خدا بر او و همه صفات در اختیار اوست، زیرا مقامش بر اساس اعتقاد شیعیان امامیه بالاتر از مقام انسان است و به همین دلیل اوصاف خداوند متعال را به او نسبت دادند. همچنین به دروغ و باطل به او نسبت دادند - رضی الله عنه - که گفت:

"من وجه الله هستم، من طرف خدا هستم، من اول هستم، من آخر هستم، من ظاهر هستم، من پنهان هستم، من وارث زمین هستم، من راه خدا هستم. و به سوي او عزم خود را جزم کرده ام"<sup>1</sup>.

این برای مردم بعید نیست، زیرا به آن عادت کرده بودند و به خود جرأت می دادند که در مقام پیامبر صلی الله علیه و آله قرار گیرند و مقام او را کوچک جلوه دهند. در مقایسه با علی رضی الله عنها، عیاشی و هویزی در تفاسیر خود روایتی را آورده اند که حاکی از برتری مقام علی (رض) بر مقام حضرت علی (ع) است درود خدا بر او باد، چنانکه در تفسیر کلام الله جل جلاله فرمودند: {بر ادای نمازها و نماز میانه محافظت کنید، و فروتنانه برای خدا بایستید}<sup>2</sup>: مراد از نمازها این است:

«رسول خدا و فاطمه و حسن و حسین و وسطاء امیرالمؤمنین». <sup>3</sup>

---

<sup>1</sup>. رجال الکشي (ص184).

<sup>2</sup>. [البقرة:238].

<sup>3</sup>. تفسیر العیاشی (1/ 128)، ونور الثقلین (1/ ص238).

پس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و دخترش فاطمه و حسن و حسین را در یک طرف و علی بن ابی طالب رضی الله عنه را در طرف دیگر قرار دادند. او چنان که ادعا می کنند از همه انسان ها بالاتر است.

اگر علی و فاطمه نبودند خداوند پیامبر صلی الله علیه و آله را نمی آفرید!

شیعیان در کتب خود با نقل حدیث قدسی - به ادعای خودشان - که خداوند خطاب به پیامبرش صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید، توهین آشکاری به مقام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آورده اند. و درود فرست: (ای احمد اگر تو نبودی آسمانها را نمی آفریدم و اگر علی نبود تو را نمی آفریدم و اگر فاطمه نبود، تو را نمی آفریدم. تو را خلق کرده اند)<sup>1</sup>.

---

1 راجع: "عوالم العلوم للبحراني": (43/11)، و"مجمع النورین وملتی البحرین للمرندي" (ص 14)، و"مستدرک سفینه البحار": (3/ 334)، و"من فقه الزهراء ل محمد الحسینی الشیرازی": (1/ 19).



آیا این توهین و اهانت آشکار به ارزش و منزلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیست. درود خدا بر او و سبب خلقت او و دخترش عامل دیگر خلقت او باشد، هر چند که علی و فاطمه هیچ فضیلت و هدایتی نداشتند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و پیروی آنان از هدایت او صلوات الله علیه!

معمم الشمری: بزرگترین دولت علی نبود، ایام رسول خدا صلی الله علیه و آله، یهودی و بی دین بود!!

محقق شیعه واثق الشمری در اعترافات قبر خود می گوید: «اگر خدای متعال فقط رسول خدا را می فرستاد بدون اینکه علی امیرالمومنین باشد، آیا رسالت کامل می شد؟ صلوات الله علیه و آله و سلم ناقص و ناقص است و فرستادن پیامبر بیهوده بود، اگر علی را ولی خدا و امام را پس از او اطاعت نمی کرد. منشأ رسالت باطل است»<sup>1</sup>.

---

<sup>1</sup>[/https://www.ddsunnah.net/records/view/action/view/id/7830](https://www.ddsunnah.net/records/view/action/view/id/7830)

مسلمان از این ضلالت شنیع که شغل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را رها نکرده است به خدا پناه می برد و هر گونه توجه و اهمیت دادن به هرکسی بر شغل پیامبری، پیام اوست ضلالت شنیع و آشکار اگر مراد از این حدیث، شغل خاتم الانبیاء و مولای آنها باشد، چقدر بزرگ است. هادی الریعی: پیامبر صلی الله علیه و آله وارد بهشت نمی شود مگر با اذن فاطمه!

ممکن است مسلمان فکر نکند که شیعیان تا آنجا گمراه شوند که بگویند مولای خلق رضی الله عنه برای ورود به بهشت نیاز به اذن مخلوق دارد، اما گمراهی شیعیان ندارد. سقف یا حد، عالم شیعه، هادی الریعی، این گمراهی آشکار را جایز دانسته است که می فرماید: «دخول نمی شود، وارد بهشت می شود مگر با رضایت و اذن و فرمان فاطمه سلام الله علیها».. شواهد زیادی داریم که در روز قیامت حضرت محمد صلی الله علیه و آله جز به اذن فاطمه وارد بهشت نمی شود.<sup>1</sup>

---

<sup>1</sup> تجدد هذا الضلال في كثير من روابط اليوتيوب عند البحث على: (عند الشيعة، الرسول لا يدخل الجنة الا بإذن من فاطمة).

<https://www.youtube.com/watch?v=1fIXkTlhzsU>

از این ضلالت به خدا پناه می‌بریم آیا مولای خلق صلوات الله علیه و آله و سلم به چیزی غیر از اذن خداوند متعال نیاز دارد که او شفاعت کننده و شفیع کننده است؟ از مقام ستوده صلوات الله علیه از ابوهریره رضی الله عنه که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: (من مولای السّلام). بنی آدم در روز قیامت و اولین کسی که قبر بر او گشوده می‌شود و اولین کسی که شفاعت می‌کند و اولین کسی که خوانده می‌شود).<sup>1</sup>

و در حدیث ابن عمر رضی الله عنهم آمده است: (روز قیامت مردم زانو زده اند - یعنی بر زانو نشسته اند - هر امتی پیرو پیغمبر خود می‌گویند: ای فلانی. پس شفاعت کن، ای فلانی، شفاعت کن تا زمانی که شفاعت بر پیامبر صلی الله علیه و آله تمام شود، زیرا آن روز است که خداوند او را محشور می‌کند).<sup>2</sup>

گناهان شیعه گناهی است که در کارنامه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمده است

---

1. صحیح مسلم (2278).

2. البخاری (4718).

شیعیان در گمراهی خود به مسیحیان شباهت داشتند و گفتند که مسیح علیه السلام گناهان فرزندان آدم را بر دوش گرفت و سپس خود آنها را بر روی صلیب فدیہ داد، پس شیعیان این را از آنان گرفتند و با آن به خدا و رسولش تهمت زدند .

طبرسی و علمای بعدی روایتی نقل کرده اند: [از عمر بن یزید که گفت: به اباعبدالله علیه السلام درباره قول خداوند متعال گفتیم: ﴿لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ﴾، فرمود: «او نه گناهی داشت و نه نگران گناه بود، ولی خداوند گناهان پیروانش را بر او مسئلت کرد و سپس آنها را برایش آمرزید].<sup>1</sup>

سبحان تو، این تهمت بزرگ است، آیا در آموزه اسلام این است که گناهان دیگری را بر دوش می کشد، بدون اینکه دلیلی برای این گناهان داشته باشد؟ و خداوند متعال می فرماید: ﴿وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى﴾.<sup>2</sup>

---

<sup>1</sup> مجمع البیان للطبرسی، (141/9).

<sup>2</sup> . [الإسراء: 15].

وَيَقُوْجُلْ جَلَالَهُ: ﴿كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ اِلَّا اَصْحَابَ الْيَمِيْنِ﴾.<sup>1</sup>

آیا پیامبر اسلام و سرور خلق صلی الله علیه و آله گناهان دیگران را بر دوش می کشد تا خداوند آنها را برای او ببخشد؟ استاد خلق چه گناهی کرده که خداوند او را در قبال گناهان دیگران بازخواست کند و در کارنامه خود بگذارد و بعداً آنها را ببخشد؟!

**کلینی در الکافی فصلی با عنوان:** (ائمه علیهم السلام می دانند چه بوده و چه خواهد بود و چیزی بر آنان پوشیده نیست صلوات الله علیهم).<sup>2</sup>

این گفتار مشتمل بر اعتراف صریح علمای شیعه به ترجیح ائمه بر پیامبر صلی الله علیه و آله است، زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله علم غیب را از خود منکر بوده است مگر آنچه خداوند به او وحی کرد، چنانکه در فرموده خداوند متعال آمده است: ﴿بگو: من مالک سود و زیانی برای خود نیستم مگر آنچه که الله بخواهد، و اگر غیب می دانستم خیر و خوبی

---

<sup>1</sup>. المدثر: [38].

<sup>2</sup>. الکافی (260/1).

فراوانی برای خود فراهم می‌آوردم، و بدی و بلایی به من نمی‌رسید. من جز بیم دهنده و مژده دهنده‌ای برای قومی که ایمان می‌آورند، نیستم<sup>1</sup>.

وقوله تعالی: { بگو: به شما نمی‌گویم که خزانة‌های خدا پیش من است، ومن غیب را نمی‌دانم }<sup>2</sup>.

ادعای آنها این است که پیامبر صلی الله علیه و آله اسرار پنهانی داشت که خلاف آن چیزی بود که ظاهر می‌شد!

کلینی از اباعبدالله (علیه السلام) روایت کرده که فرمود: هنگامی که عبدالله بن ابی بن سلول از دنیا رفت، پیامبر (صلی الله علیه و آله) در تشییع جنازه او شرکت کرد و عمر گفت: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم): ای رسول خدا، آیا خداوند تو را از برخاستن بر قبر نمی‌نکرده است؟ سکوت کرد، سپس گفت: ای رسول خدا، آیا خداوند تو را از ایستادن بر قبر او نمی‌نکرده است؟ پس به او گفت: وای بر تو از کجا می‌دانی که من گفتم: «خدایا شکمش را پر از آتش کن و

---

<sup>1</sup>. [الأعراف: 188].

<sup>2</sup>. [الأنعام: 50].

اباعبدالله (علیه السلام) را پر کن (گفت: پس از رسول خدا آنچه را که کراهت داشت آغاز کرد)<sup>1</sup>.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که سرور بنی آدم است و خداوند او را به اعلان حق امر فرموده و به او وعده پیروزی داده است، از تقوای خود برای یکی از منافقان دعا کرد، پس برایش دعا کرد. او با این دعا، و یارانش رضی الله عنه بر او رحمت کردند!

دکتر ناصر القفاری در تفسیر این روایت می گوید: «نگاه کنید به این تهمت به رسول خدا صلی الله علیه و آله و انتساب آنها به او که یاران خود را فریب می دهد و منافق را می خواند در حالی که منافق را می خواند. آنها گمان می کنند که او برای او رحمت می خواهد، پس از او الگو می گیرند»<sup>2</sup>.

آنچه از نظر اهل سنت در روایات صحیح ثابت شده این است که پیامبر صلی الله علیه و آله قبل از نازل شدن نهی از دعا برای منافقین از حضرت

---

<sup>1</sup> الکافی 3/188.

<sup>2</sup> . مسألة التقرب بين أهل السنة والشيعة للدكتور ناصر القفاري (125/2).

عبداللہ بن عمر رضی اللہ عنہ دعا کرده است با او گفت: «ہنگامی کہ عبداللہ بن اُبی از دنیا رفت، پسرش عبداللہ بن عبداللہ نزد رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ آمد و از او خواست کہ پیراہن خود را بہ او بدهد تا پدرش را در آن کفن کند، پس آن را بہ او داد. سپس از او خواست کہ بر او نماز بخواند، پس رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم برخاست تا بر او نماز بخواند، پس عمر برخاست و آن را در لباس رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ گرفت. درود خدا بر او و گفت: ای رسول خدا، تو را از نماز بر او نہی کردہ است، پس رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم فرمود: خداوند چنین کردہ است بہ من حق انتخاب داد، پس گفت: {اسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ، إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً}، وَسَازِيْدُهُ عَلَى السَّبْعِينَ قَالَ: إِنَّهُ مُنَافِقٌ، قَالَ: فَصَلَّى عَلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ: {وَلَا تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا، وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ} <sup>1</sup>.

پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم از روی آرزوی فرزندش و از سر عزت او برای ابن سلول دعا کرد کہ از بہترین اصحاب رضی اللہ عنہ علیرغم تلاش

---

<sup>1</sup> البخاري (2774).



عمر رضی الله عنه. از او راضی باش، تا او را از آن منصرف کند، زیرا او، رضی الله عنه، نمی از دعا برای منافقان را از قول حق تعالی فهمیده است: {برای آنها استغفار کن یا برای آنها استغفار نکن برای آنها هفتاد مرتبه خداوند آنها را نمی بخشد.} پیامبر صلی الله علیه و آله از این آیه دلیل استفاده کرد که خداوند به او اختیار داد که برای آنها استغفار کند و نه، پس او صلی الله علیه و آله. و درود او را برگزید و در پاسخ به فرزندش برای او دعا و استغفار کرد و بر اساس قضاوت ظاهری، ابن سلول تظاهر به مسلمانی می کرد که خداوند متعال قول او را نازل کرد: و هرگز برای هیچ یک از آنها که بمیرد دعا نکن و بر قبر او بایستی {، پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از آن برای هیچ یک از منافقان دعا نکرد. چنانکه در صحیح مسلم آمده است: «محمد بن المثنی و عبید الله بن سعید برای ما روایت کردند که: یحیی - که القطان است - از عبید الله با این سند شبیه به آن برای ما روایت کرد. و اضافه کرد و گفت: پس نماز را برای آنها گذاشت»<sup>1</sup>.

---

<sup>1</sup> مسلم (7204).

در اینجا تعجب می کنیم: آیا نماز میت برای دعا برای میت و استغفار برای او مقرر نشده بود؟ چگونه رافضیان به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که خداوند او را پاک و ستوده است تهمت می زنند در حالی که او با این تهمت راستگو و راستگو است و به دروغ و باطل ادعا می کنند که وقتی او صلوات الله علیه و صلوات الله علیه و آله بر ابن سلول نماز می خواند، تقیه می کرد و اصحاب خود را با دعا بر علیه او فریب می داد، در حالی که آنها از دعای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تقلید می کنند، و این چنین است همچنین از اعمال نفاق پوشیده نیست و رسول خدا صلی الله علیه و آله از انتساب آن به نفاق نمی کند.

شیخ نعمت الله جزایری آنها مدعی است که به علی رضی الله عنه جرات داده شد که به پیامبر صلی الله علیه و آله داده نشد!!

یکی از توهین های صریح و صریح این است که به علی رضی الله علیه و آله شهادتی بیش از شجاعت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم داده شده است الانوار النعمانیة عن رسول الله صلی الله علیه و سلم که فرمود: سه چیز به من داده شد و باید در آنها شرکت کنم و سه چیز به

من داده شد و شریک نشدم. در آن گفته شد: ای رسول خدا، آن سه چیز را که علی (ع) با شما در میان گذاشت، چیست؟ کوثر از آن من است و من بر دو پای او هستم و بهشت و جهنم از آن من است و علی سهم آنهاست و من با او شریک نبودم، او را جرأت کردند و به من ندادند به همین ترتیب، حضرت زهرا(س) به من عطا شد، اما به من چیزی شبیه به او ندادند، و به من دو پسر او، حسن و حسین(ع) داده شد، اما مانند آنها به من عطا نشد"<sup>1</sup>.

آنچه که نعمت الله جزایری گزارش کرده، در تعارض با شخص مورد نظر در این داستان که علی رضی الله عنه است، بوده است، چنانکه در وصف شجاعت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «وقتی جنگ سرخ بود و مردم با دیگری روبرو شدند، ما از رسول خدا صلی الله علیه و آله می

---

<sup>1</sup> . الأنوار النعمانية (17/1).

ترسیم، اما هیچ یک از ما کمتر از قوم او باقی نمی ماند".<sup>1</sup>

رضی الله عنه می فرماید: مرا در روز بدر دیدی که به پیامبر صلی الله علیه و آله پناه می بردیم و او نزدیک ترین ما بود. به دشمن، و او صلوات الله علیه در آن روز از قدرتمندترین افراد بود".<sup>2</sup>

این گواه دروغ و تهمت مردم به علی رضی الله عنه است و اینکه قصدشان از این داستان ها و روایات دروغ، کم کردن مقام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و کوچک شمردن آن حضرت است.

شیخ آنها شهاب الدین نجفی به پیامبر صلی الله علیه و آله حمله کرد و او را متهم کرد که همه احکام دین را به نمایش نمی گذارد!!

عالم و مرجع آنها شهاب الدین نجفی می گوید: «پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در فرصت کوتاهی بود و مجالی برای تدریس همه احکام دین را نداشت... او اشتغال به جنگ را به بررسی جزئیات احکام ترجیح می

---

<sup>1</sup> . رواه أحمد (1346)، قال الشيخ أحمد شاکر في "تحقيق المسند": إسناده صحيح.

<sup>2</sup> . أخرجه الإمام أحمد (654)، وصحح إسناده أحمد شاکر في "تخريج المسند" (64/2)، وجود إسناده العراقي في "تخريج الإحياء" (467/2).

داد، به ویژه در مورد عدم تمایل مردم در زمان خود برای دریافت همه چیزهایی که برای قرن ها نیاز داشتند".<sup>1</sup>

این اتهام آشکاری است به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که علم را کتمان می کرد و شریعت را تا حدود زیادی ابلاغ نمی کرد و او بود که خود را وقف رساندن کامل پیام کرد. انجام فرمان خداوند متعال: {ای پیامبر! آنچه را از جانب پروردگارت بر تو نازل شده است ابلاغ کن، و اگر چنین نکنی پیام او را نرسانده ای، و الله ترا از گزند مردم محافظت خواهد کرد، همانا الله قوم کافر را هدایت نمی کند}.<sup>2</sup>

ابن کثیر می گوید: خداوند متعال می فرماید بنده و رسولش محمد صلی الله علیه و آله و سلم را به نام رسالت خطاب می کند و به او امر می کند که هر چه را که خداوند او را با آن فرستاده است و او را به او فرستاده است. صلوات الله علیه و آله و سلم آن را اجابت کرد و به طور کامل اجرا کرد،<sup>3</sup> از این رو، به انواع آسیب ها وارد شد، پس صبر و بردباری و

---

<sup>1</sup> . النجفی / تعلیقاته علی إحقاق الحق: (288/2) (289).

<sup>2</sup> . المائدة: [الآية: 67].

<sup>3</sup> . تفسیر ابن کثیر (151/3).

مقاومت کرد و فرمان خداوند متعال را به او اطاعت کرد: { پس شکیبایی کن چنانکه پیامبران اولوالعزم شکیبایی ورزیدند }.<sup>1</sup>

ابن جریر طبری می گوید: «خداوند می فرماید که حضرت محمد صلی الله علیه و آله را ذکر کرد و به سبب سنگینی رسالت و سنگینی بار نبوت، صلوات الله علیه را تأیید کرد. درود خدا بر او باد، و به او دستور داد که در کسب نفوذ، قاطعانه تر باشد، از این رو کسانی که پیش از او مصمم ترین بودند، سختی هایی را که از جانب قوم خود به آن روبه رو شدند، نصیب او شد، و آسیب ها و سختی هایی که از آن متحمل شدند».<sup>2</sup>

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم جز برای ابلاغ حجت علی مبعوث نشد و اگر چنین نمی کرد کارش باطل می شد!!

از جمله توهین های علمای شیعه امامی به استاد خلق صلی الله علیه و آله و سلم، چیزی است که حویزی به نقل از صدوق ذکر کرده است که رسول فقط برای ابلاغ ولایت علی به مردم مبعوث شده است. و اگر آنچه را

---

<sup>1</sup>. [الأحقاف: 35].

<sup>2</sup>. تفسیر الطبري: (145/22).

که در باب ولایت علی امر به ابلاغ شده بود نمی رساند، کارش باطل می شد!!

حویزی از صدوق روایت کرده است که رسول خدا به علی فرمود:  
(اگر آنچه به دستور شما به شما دستور داده شده بود را ابلاغ نمی کردم،  
کارم ناکام می شد).<sup>1</sup>

این توهین آشکار به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است، چرا که دعوت و پیام او را محدود به بیان ولایت ادعایی علی (ع) کردند و هر کاری که انجام داد، صلوات الله علیه و آله و سلم به دردش نمی خورد. اگر ولایت علی را روشن نمی کرد!

خمینی پیغمبر صلی الله علیه و آله را متهم می کند که آنگونه که خداوند دستور داده پیام را ابلاغ نکرده و مسلمانان را به جنگ واداشته است!!  
خمینی در کتاب کشف الاسرار در تفسیر آیه شریفه می فرماید: { امروز برای شما نعمت خود را بر شما تکمیل نمودم، و اسلام را به عنوان آیین

---

<sup>1</sup> . تفسیر نور الثقلین 1/ 654، والروایة أصلها فی "الأمالی" للطوسی، صفحة 400.

برایتان پسندیدم}<sup>1</sup> (روشن است که اگر پیامبر به دستور خداوند از امر امامت مطلع می شد و در این زمینه تلاش می کرد، این همه اختلاف و نزاع و جنگ در کشورهای اسلامی به وجود نمی آمد و اختلافات به وجود نمی آمد. در خاستگاه دین و فروع آن ظهور نکرده اند).<sup>2</sup>

این توهین بزرگی است به پیامبر ما حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم که او را مسئول نزاع ها و اختلافات و دعوای پیش آمده در کشورهای اسلامی به دلیل کوتاهی در رساندن موضوع امامت ادعایی می داند. و این امر خطرناکی است، زیرا در کلام خداوند متعال که به کمال رسالت و کامل بودن آن شهادت داده است، خداوند متعال از آنچه می گویند بسیار منزّه است-.

اگر سخنان خمینی را در مقصر دانستن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در اختلاف و نزاعی که در میان مسلمانان به دلیل عدم ابلاغ ولایت علی رضی الله عنه و آنچه قبلاً گزارش شده بود پیوند دهیم. از حویزی که پیامبر

---

<sup>1</sup>. [المائدة: الآية 3].

<sup>2</sup>. كشف الأسرار (ص 155).



صلی الله علیه و آله فقط برای ابلاغ ولایت علی رضی الله عنه مبعوث شد و اگر چنین نمی کرد کارش می شد باطل شده است، نتیجه می گیریم:

1. آنها صریحاً پیامبر صلی الله علیه و آله را متهم می کنند که آنچه را که خداوند به او امر کرده است، ابلاغ نکرده است.

2. پیوند پذیرش کار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به ابلاغ ولایت علی رضی الله عنه.

3. پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم از انجام کار خود کوتاهی کرده است - نعوذ بالله -.

پس چگونه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم امر بزرگی را که موجب نزاع و درگیری میان مسلمانان می شود، کتمان کند؟ اوست که در پاسخ به فرموده ی حق تعالی هر آنچه را که خداوند به مردم امر فرموده در دین و دنیایشان به مردم ابلاغ کرد: ﴿و قرآن را بر تو نازل کردیم تا برای مردم

چیزی را که برای آنان نازل نکرده ایم، روشن سازی<sup>1</sup>، و قوله تعالی: ﴿ای پیامبر! آنچه را از جانب پروردگارت بر تو نازل شده است ابلاغ کن﴾<sup>2</sup>.

مادر مؤمنان عایشه رضی الله عنها می فرماید: «کسی که ادعا کند رسول خدا صلی الله علیه و آله چیزی را از کتاب خدا کتمان کرده است، به خدا افترا بزرگتر کرده است. سپس آیه مذکور تلاوت شد»<sup>3</sup>.

**علی و اولادش در واقعه معراج بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سبقت گرفتند!!**

علمای شیعه اثنی عشری در جعل داستان ها و دروغ هایی که ارزش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را کوچک می کند و از مقام و منزلت او می کاهد، مهارت دارند.

صاحب تفسیر البرهان می گوید: «پیامبر صلی الله علیه و آله چون به آسمان عروج کرد، علی و فرزندان او را دید که قبلاً به آن رسیده بودند، سلام کرد

---

<sup>1</sup>. [النحل: 44].

<sup>2</sup>. [المائدة: 67].

<sup>3</sup>. أخرجه مسلم رقم (177).

و آنها را در زمین رها کرد".<sup>1</sup>

از صدوق رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«هنگامی که مرا به بهشت عروج کرد، به پروردگارم نزدیک شدم، تا آن جا که میان من و او تنها گوشه ای باقی نمانده بود: ای محمد چه کسی را در میان خلقت دوست داری؟

گفتم: پروردگارا! علی گفت: برگرد ای محمد! پس به سمت چپ برگشتم و علی بن ابی طالب علیه السلام را دیدم".<sup>2</sup>

وقتی از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدند:

(پروردگارت در شب معراج به چه زبانی تو را خطاب کرد؟ فرمود: مرا به زبان علی بن ابیطالب خطاب کرد تا اینکه گفتم: تو یا علی من را خطاب

---

<sup>1</sup> . تفسیر البرهان (404 / 2).

<sup>2</sup> . (تفسیر البرهان (404 / 2)، و بحار الأنوار (33/40).

کرد؟<sup>1</sup>.

مقام علی رضی الله عنه و اولاد او بر مقام پیامبر صلی الله علیه و آله مقدم است، چنان که در حادثه معراج تا بهشت پیشی گرفتند، هر چند علی را رها کرد. رختخواب او همانطور که در مورد این واقعه مشهور است. این پیامبر در نظر آنان است و آن علی است که از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم برتر و برتر است و عمداً و عمداً برای کوچک شمردن مقام پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم غلو کردند<sup>2</sup>.

سپس ادعای آنان مبنی بر اینکه خداوند متعال به زبان علی رضی الله عنه صحبت کرده است، اهانت به پروردگار جهانیان پیش از آن است که به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم باشد کتاب: قتل العقول الشیعه علی الکش می گوید:

— آیا برای علی زبان خاصی هست که فقط خدا و رسولش بدانند؟

---

<sup>1</sup>. (کشف الغمة 1/ 106).

<sup>2</sup>. الشیعة وأهل البيت / إحسان إلهي ظهير (ص 252).

— آیا زبان علی با زبان قریش یکی است یا زبان دیگری دارد که دارای  
هیروگلیف الهی باشد؟

— چگونه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مشکوک شد - و از نظر ائمه  
معصوم است - که فکر می کرد این علی است نه خدای متعال که با او  
صحبت می کند؟

— آیا کلام خدا - نعوذ بالله - مانند سخنان علی است؟ خداوند در روز  
معراج پیامبر را چگونه خطاب کرد؟<sup>1</sup>

**پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم را جز علی بالا نبرد!!**

هجمه های علمای شیعه به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حد و مرزی  
ندارد و هر چه در توان داشتند انجام دادند تا پیامبر صلی الله علیه و آله و  
سلم را با هیچ چیز دیگری به تصویر بکشند. علی بن ابیطالب رضی الله  
عنه چنانکه مدعی بودند مقام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را و ذکر او که

---

<sup>1</sup> . اغتيال العقل الشيعي لعلی الكاش (ص 371).

خداوند او را بلند مرتبه و شریک کلمه جلال در دو شهادت در سوره  
شرح آمده و جز علی رضی الله عنه به آن نرسیده است.

از مقداد بن الاسود گفت: نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله بودیم و به  
پرده های کعبه چسبیده بود و می گفت: : خدایا مرا یاری کن و زره مرا  
تقویت کن و سینه ام را گشاد و حافظه ام را بلند کن، پس جبرئیل نازل  
شد و گفت: بخوان یا محمد. {أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ \* وَوَضَعْنَا عَنكَ وَزْرَكَ \*  
الَّذِي أَنتَقَضَ ظَهْرَكَ \* وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ [بعلی صهرک] \* فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ  
يُسْرًا \* إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا \* فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ \* وَإِلَى رَبِّكَ فَارْغَبْ}،  
فقرأها النبي صلى الله عليه وآله وسلم وأثبتها ابن مسعود وانتقصها عثمان" <sup>1</sup>.

---

<sup>1</sup> . البرهان، (4/375)، والبحار، (36/116).

پس بنگرید که چگونه سخنان خدای متعال را تحریف کردند و چیزی بر آن افزودند که مقام پیامبر صلی الله علیه و آله را کمزنگ می کند و او را در همه فضایل پیرو علی قرار می دهد این علاوه بر معرفی است کلماتی به کلام خدای متعال که از او نیست!!

**متهم کردن پیامبر صلی الله علیه و آله به حرام نگاه کردن به زنان!!**

صدوق از حضرت رضا در روایت خدای تعالی روایت کرده است: {و به یادآور زمانی را که به کسی که الله بدو نعمت داده بود و تو (نیز) بدو لطف کرده بودی، می گفתי: همسرت را برای خود نگاه دار و از الله بترس و در دل خود آنچه را که خداوند پدیدار کننده اش است پنهان می ساختی} <sup>1</sup>، الرضا در توضیح این آیه فرمود:

(رسول خدا صلی الله علیه و آله برای امری که خواست به خانه زید بن حارثه رفت و همسرش زینب را در حال غسل دید و به او فرمود: سبحان الله. که تو را آفرید). <sup>2</sup>

---

<sup>1</sup>. [الأحزاب: 37].

<sup>2</sup>. عیون أخبار الرضا (112).

این تهاجم آشکار به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و دین و شخصیت اوست، آیا صلی الله علیه و آله و سلم بدون اجازه وارد خانه ای شود؟ علاوه بر این که به زنی در حال غسل نگاه کرد و بدتر از این به او گفت: «سبحان الذی خلقت» گویا صلوات الله علیه به او فرمود: او با زیبایی یا اندام او معاشقه می کند!

این مقام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از نظر رافضیان است، اما از نظر اهل سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم صاحب اخلاق عالی است که از او این است. فرمان نمی توانست در تأیید فرموده خداوند متعال باشد: {و همانا تو از خوی بسیار بزرگی برخوردار هستی}.<sup>1</sup>

تهمت زدن به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در مورد عزت و حسادت ایشان.

از امیرالمومنین علی علیه السلام که نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و ابوبکر و عمر با او بودند (پس نشستیم. بین او و عایشه گفت:

---

<sup>1</sup>. [القلم: 4].



چه یافتیم جز ران خود و رسول خدا: مه، عایشه؟<sup>1</sup>

مجلسی روایت می کند که امیرالمؤمنین می فرماید: «با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مسافرت کردم، او غیر از من بنده ای نداشت و لحافی داشت که نداشت غیر او و او عایشه را با خود داشت. تا نماز - نماز شب - با دستش لحاف را وسط بین من و عایشه گذاشت تا اینکه لحاف به تخت زیر ما رسید».<sup>2</sup>

آیا این تعرض آشکار به کرامت رسول خدا صلی الله علیه و آله نیست که گویا آن حضرت به محرمان خود غبطه نمی خورد؟

حمله به علی رضی الله عنه نیز شامل می شود، پس چگونه می تواند آن را برای خود بپذیرد؟

پیامبر صلی الله علیه و آله تا سینه های فاطمه را نبوسد خوابش نمی برد!!

مجلسی از حذیفه روایت کرده که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله

---

<sup>1</sup> . البرهان في تفسير القرآن (225/4).

<sup>2</sup> بحار الأنوار (2/40).

نمی خوابید تا اینکه پهنای گونه فاطمه سلام الله عليها را ببوسد یا بین آن حضرت. سینه های او

از جعفر بن محمد صلی الله علیه و آله و سلم رسول خدا صلی الله علیه و آله شبها نمی خوابید تا اینکه صورت خود را بین سینه های فاطمه عليها السلام قرار می داد).<sup>1</sup>

نشستن من بر اساس روایت کرده است که می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در جایی رشد کرد که فاطمه سلام الله عليها حضور داشت. این چه اشکالی دارد؟

جعفر بن محمد صلی الله علیه و آله و سلم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است"<sup>2</sup>!

این توهین آشکار به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و دخترش الزهرا رضی الله عنه است.

آیا معقول است که این عمل از پیامبر صلی الله علیه و آله باشد؟!

---

<sup>1</sup> . بحار الأنوار (42/43).

<sup>2</sup> . اللمعة البيضاء شرح خطبة الزهراء (ص 106).

آیا سینه جزء عورت زن نیست؟ آیا دست زدن مرد به عورت دخترش جایز است؟

دکتر عبدالرحمن دمشقیه در تفسیر این روایات می گوید: «شکی نیست که نویسنده این دروغ فردی بد اخلاق است که با بیان این روایات جعلی، اشتباهی زنان فرقه خود را به طور غیرمستقیم برای لذت بردن تحریک می کند. برای رسیدن به اهدافش.

آیا ترویج این گونه اکاذیب چیزی جز گشودن باب فسق و وسوسه شیعیان عامی از سوی عموم گرایان که به نام اهل بیت این فساد را ترویج می کنند، است؟

آیا ترویج این گونه اکاذیب چیزی جز گشودن باب فسق و وسوسه شیعیان عامی از سوی عموم گرایان که به نام اهل بیت این فساد را ترویج می کنند، است؟<sup>1</sup>!!؟

---

<sup>1</sup> . <http://www.dd-sunnah.net/forum/archive/index.php/t-56037.html>

تعبیر پشه ای که در قرآن به نام علی و بالاتر از آن پیامبر صلی الله علیه و آله ذکر شده است!!

يقول مرجعهم وشيخهم القمي في تفسيره: وأما قوله (إهمانا خداوند شرم ندارد از اینکه به پشه‌ای یا کوچکتر از آن مثال بزند، کسانی که ایمان آورده‌اند می‌دانند که آن حق است و از جانب پروردگارشان است. و اما کسانی که کفر ورزیده‌اند می‌گویند: خداوند از این مثال چه قصدي داشته است؟)، (خدا) با آن بسیاری را گمراه کرده و با آن بسیاری را هدایت می‌نماید و جز فاسقان را با آن گمراه نمی‌کند) زیرا او راستگو است (صلی الله علیه و آله): این قول از جانب خداوند متعال پاسخی است به کسانی که ادعا می‌کنند خداوند تبارک و تعالی بندگان خود را گمراه می‌کند، پس خداوند متعال آنها را مجازات می‌کند فرمود (همانا خداوند خجالت نمی‌کشد که از پشه یا چیزی بالاتر از آن مثال بزند، فرمود: و پدرم از الندر بن سوید عن القسم بن سلیمان به من خبر داد). المعلل بن خنیس از اباعبدالله علیه السلام که فرمود: این ضرب المثل را خداوند برای امیرالمؤمنین علیه السلام قرار داده است: پشه امیرالمؤمنین علیه السلام است. مؤمنان

(صلی الله علیه و آله) و آنچه بالاتر از آن است رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است".<sup>1</sup>

این حمله صریح به علی رضی الله عنه است که ادعای دوست داشتن و وفاداری به او را دارند، چنانکه او را به پشه ای تشبیه کرده اند که مصداق خواری یک چیز است و همچنین حمله است. بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وقتی مقام او را کمی بالاتر از پشه قرار دادند و این اهانت به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و علی رضی الله عنه است.

**درود خدا بر او و خاندانش این تاپیک شرم آور است یا خبر بد!!**

کلینی در الکافی از صادق علیه السلام روایت کرده که جبرئیل بر محمد صلی الله علیه و آله نازل شد و به او گفت: ای محمد خداوند به تو می دهد. مژده به فرزندی که از فاطمه متولد شده است، که امت تو او را می کشند، پس گفت: ای جبرئیل و درود خدا بر من، پس از من امت من او را خواهند کشت. پس عروج کرد، سپس فرود آمد و چنین گفت: ای جبرئیل و درود خدا بر پروردگارم، من به فرزندی که امت من بعد از من او

---

<sup>1</sup> . تفسیر القمی (1/ 34 - 35).

را بکشند، نیازی ندارم. عروج کرد، سپس فرود آمد و چنین گفت: ای جبرئیل و درود خدا بر پروردگارم، من نیازی به کشتن نوزادی به دست امتم ندارم. پس جبرئیل به آسمان رفت و فرود آمد و گفت: ای محمد، پروردگارت به تو درود می‌فرستد و به تو مژده می‌دهد که به فرزندانش امامت و ولایت و اراده می‌دهد، پس فرستاد به فاطمه که خداوند مرا به فرزند می‌دهد که برای تو به دنیا می‌آید و امت من او را پس از من خواهند کشت، پس من به نزد او فرستادم که نیازی به این ندارم که پس از تو نوزادی به دست امت تو کشته شود به نزد او فرستاد که خدای تعالی به فرزندش امامت و ولایت و وصیت داده بود، پس او را راضی کردم و او را ناخواسته به دنیا آورد نه از فاطمه سلام الله علیها شیر داد و نه از یک زن، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را آوردند و انگشت شست خود را به اندازه دو یا سه می‌مکید روز)<sup>1</sup>.

دکتر صابر توبه در اظهار نظر خود در مورد این روایت نادرست می‌گوید: «سوای که باید مطرح شود این است که آیا مسلمان یا غیر مسلمان برای

---

<sup>1</sup>. الکافی (464/1).

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم معنی دارد. موضوعی را که خداوند به او اعلام کرده بود رد کرد و آیا حضرت زهرا رضی الله عنه امری را که خدا مقدر کرده بود و می خواست آن را تبلیغ کند رد کرد؟

آیا در حالی که از آن متنفر بود حامله شد و در حالی که از آن متنفر بود زایمان کرد؟ آیا از شیر دادن به او خودداری کردی تا اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را آوردند تا دو یا سه روز از شستش به او شیر دهد؟<sup>1</sup> مرتبه کسی که بسیار لذت می برد، مانند مقام پیامبر صلی الله علیه و آله است!!

این اهانت و تهمت دیگری است به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به قصد کم کردن ارزش و منزلت آن حضرت.

به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نسبت دادند که فرمود: «کسی که یک مرتبه تمتع کند از غضب ستمگر در امان است و هر که دو مرتبه تمتع

---

<sup>1</sup> .الأصول العقائدية للإمامية/ صابر طعيمة (ص 271).

کند نزد صالحان محشور می شود و هر که تمتع کند. سه بار در بهشت با  
من مسابقه خواهد داد).<sup>1</sup>

کاشانی در تفسیر منهاج الصادقین از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و  
سلم روایت کرده است که فرمود: «کسی که یک مرتبه تمتع کند مرتبه او  
مانند درجه است. حسین رضي الله عنه و هر که دو مرتبه تمتع کند درجه  
او مانند مرتبه الحسن رضي الله عنه خواهد بود و هر که سه مرتبه تمتع کند  
درجه او مانند مقام علي بن خواهد بود. ابی طالب خدا از او راضی باشد  
و هر که از چهار چیز بهره مند باشد، مقام او با من یکی است»<sup>2</sup>.

---

<sup>1</sup>. من لا يحضره الفقيه (366/3).

<sup>2</sup>. تفسیر منهاج الصادقین (2/493).



پس بین خواننده گرمی چگونه مقام و منزلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را با برآورده شدن تمتعی که خداوند و رسولش صلی الله علیه و آله و سلم از آن نمی کرده اند، پیوند دادند. و همه مسلمانان به اتفاق آرا بر ممنوعیت آن اتفاق نظر داشتند.

آیا مقام پیامبر صلی الله علیه و آله در میان شیعیان دوازده امامی به این راحتی است؟!

خمینی انبیا را به طور عام و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را به طور خاص متهم می کند که در پیام خود موفق نبوده اند!!

خمینی می گوید: «همه انبیا آمدند تا پایه های عدل را برپا کنند، اما پیغمبر، خاتم الانبیا، که برای اصلاح بشریت آمده بود، موفق نشدند، و کسی که موفق شود. در آن مهدی منتظر است».<sup>1</sup>

---

<sup>1</sup> . من خطاب ألقاه الخميني بمناسبة ذكرى مولد المهدي في 15 شعبان 1400 هـ.

یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله و بقیه پیامبران صلی الله علیه و آله مبعوث هستند.

یا رضی الله عنه از او و انبیاء علیهم السلام به صورت ادواری و در آستان شیوخ شیعه.

خمینی پیامبر صلی الله علیه و آله را متهم می کند که از ترس تحریف قرآن از ابلاغ فرمان خدا می ترسد!!

خمینی می گوید: (از مجموع این قرائن و نقل احادیث معلوم می شود که پیامبر از دعوت به امامت احتیاط می کرد و هر که به تواریخ و گزارش رجوع کند می داند که پیامبر در ترسش بر حق بوده است، جز اینکه خداوند او را به رسیدن به آن امر کرد و به او وعده حفاظت از او را داد.)<sup>1</sup>

---

<sup>1</sup> . کشف الأسرار (ص 149).

همچنین می فرماید: (ما در ابتدای این حدیث ثابت کردیم که پیامبر از بیم آن که قرآن بعد از خود دچار تحریف شود، از ذکر امامت در قرآن خودداری کرد)<sup>1</sup>.

خمینی می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله نتوانست به حکومتی که می خواست دست یابد!

در ادامه ردیه قبلی، خمینی می افزاید: (از دو چیز متأسفم: یکی از دیگری تأسف بارتر است. اول اینکه از زمان ظهور اسلام و نبوت و آنچه بعد از آن آمده است، دعوت به حکومت نکرده اند. در زمان رسول خدا - صلی الله علیه و آله - در نتیجه این همه مشکلات جنگ و مخالفت، به وجود آمد. به روشی که می خواست به دست آورد (ص)<sup>2</sup>.

چقدر بزرگ است این اهانت به پیامبر ما محمد صلی الله علیه و آله و سلم که او را متهم به ترس و بی میلی در رساندن آنچه خداوند به او - به

---

<sup>1</sup> . کشف الأسرار (ص155).

<sup>2</sup> . من خطاب له بمناسبة عيد المرأة في إيران في 2 / 3 / 1986 م، وأذاعته إذاعة طهران بصوته وتناقلته الصحف العربية.

ادعای - ولایت کرده بود و اینکه موفق نشد. در ساختن حکومت اسلامی تا حد امکان!

دروود خدا بر او باد، زیرا او پیام را به کمال رساند و سختی ها را متحمل شد و به خاطر آن با نامالایمات روبرو شد، او شجاع ترین مخلوق است و به خاطر خدا نمی ترسد ، سرزنش یک منتقد.

اگر استاد مخلوق رضی الله عنه در این کارها موفق نشود چه کسی موفق می شود؟!

سپس سخنان خمینی، سخنان خداوند متعال را که به پیامبرش صلی الله علیه و آله و سلم به کمال و کامل بودن رسالت شهادت داده است، دچار تردید کرد. ﴿امروز دیتان برایتان کامل، و نعمت خود را بر شما تکمیل نمودم، و اسلام را به عنوان دین برایتان پسندیدم﴾.<sup>1</sup>

ابن قیم رحمه الله می گوید: «خداوند متعال به زبان رسولش و به قول رسولش هر چه را به او امر کرده و آنچه را که به او امر کرده است، بیان کرده

---

<sup>1</sup>. [المائدة: 3].

است. نهی کرد و آنچه را که حلال کرد و آنچه را که نهی کرد و از آنچه گذشت و بدین ترتیب دین او کامل شد" <sup>1</sup>.

وقال ابن كثير: (وَقَدْ شَهِدَتْ لَهُ أُمَّتُهُ بِبَلَاغِ الرِّسَالَةِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ، وَاسْتَنْطَقَهُمْ بِذَلِكَ فِي أَعْظَمِ الْمَحَافِلِ، فِي خُطْبَتِهِ يَوْمَ حَجَّةِ الْوَدَاعِ، وَقَدْ كَانَ هُنَاكَ مِنَ الصَّحَابَةِ نَحْوُ مِنْ أَرْبَعِينَ أَلْفًا كَمَا ثَبَتَ فِي صَحِيحِ مُسْلِمٍ، عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ؛ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ فِي خُطْبَتِهِ يَوْمَئِذٍ: "أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ عَنِّي، فَمَا أَنْتُمْ قَائِلُونَ؟" قَالُوا: نَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ وَأَدَّيْتَ وَنَصَحْتَ. فَجَعَلَ يَرْفَعُ إصْبَعَهُ إِلَى السَّمَاءِ وَيَقْلِبُهَا إِلَيْهِمْ وَيَقُولُ: "اللَّهُمَّ هَلْ بَلَغْتُ، اللَّهُمَّ هَلْ بَلَغْتُ" <sup>(2)</sup> <sup>3</sup>.

خمینی می گوید: علی همه چیز ماست و در همه ابعاد انسانی رتبه اول را دارد و همه باید از او پیروی کنیم.

---

<sup>1</sup> . "إعلام الموقعين" (332/1).

<sup>2</sup> . صحيح مسلم (1218).

<sup>3</sup> . تفسير ابن كثير (151/3).

در مورد علی نیز در آن می فرماید: (باید تمام ابعاد روحی خود را به تربیت بدنی بسپارید. علی علیه السلام را بنگرید. هر جا می رویم نامش را می یابیم! در بین فقها از فقه علی می شنویم. سلام الله علیه) و در میان زاهدان از زهد علی علیه السلام می شنویم و در میان صوفیان از عرفان علی علیه السلام و هنگامی که نزد ورزشکاران می رویم. ما می بینیم که نام علی (علیه السلام) را می خوانند و ورزش را به نام او شروع می کنند او در زهد برتر از همه عبادت‌ها بود، در میدان جنگ بر همه رزمندگان برتری داشت و در میدان قدرت از همه قدرتمندان برتری داشت شگفتی بود که متضادها را با هم ترکیب می کرد)<sup>1</sup>.

---

<sup>1</sup> . الأربعون حدیثاً، الخميني، (ص 597).

علی رضی الله عنه از دیدگاه خمینی در همه چیز برتر از پیامبر صلی الله علیه و آله است، زیرا گفتار او کلی است و بر این اساس، معنای خمینی را حذف نمی کند سخن این است که علی رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله به نبوت و رسالت سزاوارتر است.

خمینی میلاد مهدی را بزرگتر از میلاد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می داند!!

خمینی می گوید: «ولادت امام مهدی برای مسلمانان بزرگتر از میلاد حضرت محمد (ص) است»<sup>1</sup>.

این مزخرف نیازی به اظهار نظر ندارد.

خمینی می گوید: اگر علی در حضور پیامبر ظاهر می شد، شریعت را مطرح می کرد و پیامبر مبعوث می شد!!

خمینی می گوید: (اگر علی علیه السلام بر رسول خدا صلی الله علیه و آله ظهور می کرد، شریعت را به عنوان پیامبر صلی الله علیه و آله نازل

---

<sup>1</sup>. کشف الأسرار (ص 166).

می کرد. و خاندانش آن را نازل کردند و او پیامبر مبعوث بود و این به خاطر وحدت آنها در معنویت و مواضع اخلاقی و ظاهری است)<sup>1</sup>.

این مقام و منزلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در نزد خمینی است که شیفته برخی از وابستگان به اهل سنت شده بود و فریب خطبه ها و سخنرانی هایش را می خورد که در آن مدعی دفاع از مسلمانان و مسلمانان بود. مسائل، به ویژه مسئله فلسطین که خالی از تقوا و فریب نیست.

امید ما این است که طرفداران تقریب به حقیقت خمینی، دکترین فاسد او و جایگاه او نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله پی ببرند و به خود بیایند و از دین خود و پیامبرشان حمایت کنند. درود خدا بر او باد.

خمینی مدعی است که مردم ایران در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بهتر از مردم حجاز هستند.

---

<sup>1</sup> . مصباح الهدایة إلى الخلافة والولاية، (153).



جسارت خمینی در انتقاد از صحابه به جایی رسید که عموم مردم ایران را در این عصر از مردم حجاز در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بهتر کرد، آنجا که فرمود: «به جرأت ادعا می کنم که مردم ایران با توده های میلیونی خود در عصر حاضر بهتر از مردم حجاز در عصر رسول الله هستند».<sup>1</sup>

سردار حسین المدرسی، پیامبر صلی الله علیه و آله را به ترس و بزدلی متهم می کند که از فرمان پروردگارش نافرمانی کرده و ولایت علی را جز با تهدید خداوند ابلاغ نکرده است.<sup>2</sup>

مدرسی در یکی از سخنرانی خود ذکر کرد که جبرئیل صلی الله علیه و آله در عرفات بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد و به او امر کرد که ولایت علی را ابلاغ کند، ولی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم. و درود خدا بر او از صحابه رضی الله عنهم ترسید و این مطلب را به علی رضی الله عنه نرساند تا اینکه در روز تهدید مستقیم از جانب خداوند متعال به او رسید

---

<sup>1</sup> . کتاب الوصية السياسية للخميني (ص 27).

<sup>2</sup> <http://www.dd-sunnah.net/records/view/action/view/id/6482>

غدیر می گوید: { ای پیامبر! آنچه را از جانب پروردگارت بر تو نازل شده است ابلاغ کن، و اگر چنین نکنی پیام او را نرسانده‌ای، و خداوند ترا از گزند مردم محافظت خواهد کرد، همانا الله قوم کافر را هدایت نمی کند }<sup>1</sup>.

این عالم از جمله افراد معاصری است که آنچه پیشینیان در مورد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم گفته اند، می گویند و سخنان ایشان در شبکه های ماهواره ای و سایت ها مخبره می شود بلکه از تقیه استفاده می کنند تا برخی از اهل سنت فریب خورده را که عقاید شیعه اثنی عشری را نمی شناسند، فریب دهند و سخنان نعمت الله جزایری به ما رسیده است که به علی رضی الله عنه جرات داده شده است. پیامبر صلی الله علیه و آله داده نشد!!

امامان نه در شکم حمل می شوند و نه از رحم بیرون می آیند و نه در معرض نجاست هستند!!

از جمله افسانه های علمای شیعه و مبالغه آنها در مورد خاندان پیامبر اکرم (ص) این ادعاست که امامان در پهلوی مادر باردار شده اند نه

---

<sup>1</sup>. [المائدة: 67].

در شکم و اینکه از ران ها در بدو تولد بیرون می آیند نه از رحم مانند سایر انسان ها. روایتی نادرست به ابوالحسن عسکری درباره ولادت حضرت مهدی موعود نسبت دادند که در آن می گوید: «ما اولیاء در شکم نیستیم، بلکه در جنوب حمل می شویم. ما از رحم بیرون نمی آییم، بلکه از ران راست مادران خود بیرون می آییم، زیرا ما نور خدا هستیم که افراد آلوده به آن نمی رسند».<sup>1</sup>

این ترجیح آشکار امامان ادعایی آنها بر پیامبر صلی الله علیه و آله است، زیرا آنها ادعا می کردند که امامان نور خدا هستند و نمی توانند از مکان ناپاکی بیرون بیایند و پیامبر ما صلی الله علیه و آله و سلم. صلوات و درود خدا بر او مانند سایر انسانها از شکم مادر بیرون آمد و او نیز به اندازه سایر پیامبران قبل از خود دچار آلودگی شد. نعوذ بالله، زیرا با این ترجیح، ائمه شیعه مقامی بالاتر از ایشان رضی الله عنه و از سایر انبیاء علیهم

---

<sup>1</sup> . انظر بحار الأنوار للمجلسي: (25/51)، ومدينة المعاجز لهاشم البحراني: (22/8). وكلمة (الدانسات) هكذا جاءت في الرواية.

السلام خواهند داشت.

ادعا می کنند زینب و رقیه و ام کلثوم از دختران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیستند!!

از جمله حملات شیعیان امامی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، ادعای آنان این است که ایشان جز فاطمه دختری نداشتند و رقیه و ام کلثوم و زینب دختر خوانده بودند.

شیخ آنها ابوالقاسم کوفی (متوفی 352) می گوید: «اما آنچه عوام نقل کردند<sup>1</sup> از ازدواج رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عثمان بن عفان و رقیه و زینب<sup>2</sup>، عقد صحیح است و اختلافی بین ما در مورد رقیه و زینب پیش آمده است، آیا آنها دختران رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هستند یا دختران او نیستند؟ اما رقیه و زینب، همسران عثمان، نه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بودند و نه فرزندان خدیجه همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بودند. درود بر او و خاندانش و

<sup>1</sup> . مصطلح " العامة" يقصدون به أهل السنة والجماعة.

<sup>2</sup> . الصواب أن عثمان رضي الله عنه تزوج رقية وأم كلثوم، ولم يتزوج زینب.

دروید بر آنان، بلکه عوام به دلیل عدم آگاهی از شجره نامه به آنان بدگمان شدند...<sup>1</sup>.

نعمت الله جزایری می گوید: «اما ختنه واقعی علی است، زیرا همسر عثمان یا از شوهر اول خدیجه بود یا از خواهرش و فقیر بود، خدیجه او را در خانه خود تربیت کرد. این چیزی است که از نظر ما صحیح تر است»<sup>2</sup>.  
ابن شهر آشوب ذکر کرده است که رقیه و ام کلثوم دخترخوانده رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از جحش بوده اند<sup>3</sup>، و این چیزی است که مجلسی در البحار گفته است<sup>4</sup>.

دلیل واقعی این دعوت این است که علی بن ابی طالب را تنها داماد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قرار دهند و فاطمه تنها دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم باشد.

این تجاوز آشکار به حقوق پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به حقوق

---

<sup>1</sup> الاستغاثة في بدع الثلاثة لأبي القاسم الكوفي (107-108).

<sup>2</sup> زهر الربيع (2/336).

<sup>3</sup> المناقب (1/209).

<sup>4</sup> بحار الأنوار (22/152).

دختران ایشان رضی الله عنه است. کینه پنهان آنان نسبت به صحابه رضی الله عنه آنان را نابینا و منکر نسب دختران پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بدون در نظر گرفتن مقام و منزلت مولای او ساخت. انساها صلوات الله علیه این هم حمله به اهل بیت است که اگر عقل داشتند !!

عمامه علی الموسوی: همبستر شدن با دختران پیامبر جایز است<sup>1</sup> صلی الله علیه وسلم!

واعظ شیعه، علی الموسوی در مصاحبه ای در کانال یوتیوب خود جرأت کرد به شأن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اهانت کند، پس از آن که حضرت فرمودند با دختران آن حضرت جایز است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم: به مردان اجازه می دهد که دختران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را کشف کنند و با آنها به کمترین قیمت همبستر شوند که ممکن است هدفش شهوت باشد و نه چیزی بیشتر، تا زمانی که قرارداد

---

<sup>1</sup> <https://www.youtube.com/watch?reload=9&v=VEqVYvzhT-o>

معتبر باشد.

کدام اهانت به اهل بیت علیهم السلام از این اهانت بزرگتر است؟ آیا کسی که به اندازه ذره ای ایمان و عشق به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم داشت این را می گفت؟

از اینجا معلوم می شود که شیعیان به بقیه افراد خانواده حمله می کنند: همه همسران و فرزندان.

اصرار علمای آنان بر به چالش کشیدن آبروی مادر مؤمنان عایشه خدا از او راضی باشد رسول خدا صلی الله علیه و آله معروف بود.

علمای شیعه همچنان از حرمت مادر مؤمنان عایشه رضی الله عنها انتقاد می کنند، با وجود نزول برائت او از آسمان های هفت گانه که قرآنی درباره او نازل شد که تا آن روز تلاوت می شود. حق تعالی فرمود: ﴿همانا کسانى که این تهمت بزرگ را عنوان کردند گروهى از خود شما هستند، این را برای خود بد نپندارید، بلکه آن برایتان خیر است، و هر کدام از آنان به گناه کارى که کرده است گرفتار مى آید، و کسى از آنان که بخشى عظیمى از آن (ماجرای) را به عهده داشته است عذابى بزرگ دارد.﴾ 11 چرا

هنگامی که این تهمت را شنیدید مردان و زنان مؤمن در حق خویش گمان

نیک نبردند و نگفتند: این دروغی آشکار است.<sup>1</sup>

این هشدار شدید در قرآن کریم در مورد تهمت زندگان پاکدامن به زنان

مؤمن به رهبری مادران مؤمنان رضی الله عنه آمده است:

قال تعالی: {همانا کسانی که زنان پاکدامن و بی خبر و مؤمن را به زنا متهم

می سازند در دنیا و آخرت نفرین شده اند، و عذابی بزرگ دارند}.<sup>2</sup>

ابن کثیر می گوید: «این هشدار است از جانب خداوند متعال به کسانی

که زنان پاکدامن را متهم می کنند - راه خروج اکثریت - زنان مؤمن،

مادران مؤمنان از هر زن پاکدامنی سزاوارترند عامل نزول و او عایشه بنت

صدیق است - رضی الله عنها - و علما متفق القول - رحمه الله - هر که

بعد از این به او دشنام دهد و بعد از آنچه در ذکر شد او را متهم کند.

آیه کافر است، زیرا در برابر قرآن لجاجت می کند -والله أعلم-".<sup>3</sup>

---

<sup>1</sup>. [النور: 11-12].

<sup>2</sup>. [النور: 23].

<sup>3</sup>. تفسیر ابن کثیر (2028/3).



تعرض به آبروی مادر مؤمنان رضی الله عنه، تعرض به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم محسوب می شود، زیرا آنچه در کلام آنان ضروری است این است که پیامبر رضی الله عنه راضی شد که زنی که مرتکب فسق می شود در قدرت او باشد! دور از او رضی الله عنه و دور از مادر مؤمنان رضی الله عنه از تهمت و فریب تهمت زندگان.

خانه پیامبر صلی الله علیه و آله مایه وسوسه است و شاخ شیطان از آن بیرون می آید!!

در صحیح البخاری از حدیث عبدالله بن عمر رضی الله عنها آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله برای سخنرانی برخاست و به سوی منزل عایشه اشاره کرد. خداوند از او راضی باشد و فرمود: این وسوسه سه بار است که شاخ شیطان از آنجا بیرون می آید"<sup>1</sup>.

رافضیان با این حدیث سعی کردند به مادر مؤمنان عایشه رضی الله عنها حمله کنند و مدعی شدند که پیامبر صلی الله علیه و آله به خانه او مراجعه کرده است تا او باشد. منشأ وسوسه هایی که بر مسلمانان وارد می شود.

---

<sup>1</sup> . صحیح البخاری، رقم (3104).

این حمله به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قبل از حمله به مادر مؤمنان رضی الله عنه است. از آنجایی که او ملزم به مخالفت با سخنان خود رضی الله عنه است و او معصوم است. پس چگونه محل سکونت و مدفن او و محل نزول وحی می تواند محل وسوسه و خروجی شیطان باشد؟!

کینه شیعیان از مادر مؤمنان عایشه رضی الله عنها باعث شد که بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و حتی پروردگار سبحان حمله کنند زیرا در این آیه وحی بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد، چنانکه در حدیث صحیح آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله به همسران خود ضمن ذکر فضیلت عایشه فرمود: «به خدا سوگند وحی نازل نشد در حالی که من در زیر پتوی زنی غیر تو بودم».<sup>1</sup>

در حدیث هیچ اشاره‌ای به اینکه خانه عایشه رضی الله عنها مقصود است، نیست و هیچ مسلمانی این را نگفته است.

---

<sup>1</sup>. البخاری: رقم: (2436)، (3554).

پس راوی گفت: به منزل عایشه اشاره کرد. یعنی: جهت منزل عایشه و منزل عایشه رضی الله عنها در مشرق مسجد النبی صلی الله علیه و آله واقع است پس اشاره به جهت منزل است. که (مشرق) است، نه به خود منزلگاه، اگر اشاره به منزل بود، می فرمود: «به منزل عایشه اشاره کرد» و نگفت: «به سمت منزل عایشه».<sup>1</sup>

این حدیث در کتب اهل سنت، از دو کتاب صحیح و جاهای دیگر، به جهات متعدد و در برخی از این روایات آمده است که اشاره به مشرق بوده است متن برخی از آنها در مورد کشورهای مورد اشاره به گونه ای ساخته شده است که شبهه را رد می کند و نیاز به تلاش برای پاسخگویی به آن را از بین می برد.

در اینجا به برخی از این روایات اشاره می شود:

---

<sup>1</sup> . انظر كتاب: "سيرة أمير المؤمنين علي بن أبي طالب/ الدكتور علي الصلابي" (590/1).

- از ابن عمر رضی الله عنه که از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنید که رو به مشرق بود که می فرمود: (همانا وسوسه اینجاست از جایی که شاخ شیطان بیرون می آید)<sup>1</sup>.

در این روایت، جهتی که به آن اشاره شده (که جهت مشرق است) به صراحت تعریف شده است و در آن توضیحی آمده است که مراد از اشاره در روایت دیگر چیست.

- و نیز از ابن عمر از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: (اللهم یحمد الشام علینا، اللهم یحمد علی السماء). گفتند: ای رسول خدا و در نجد ما؟ فکر کنم در سومی گفت: «زلزله‌ها و وسوسه‌هایی است که شاخ شیطان از آن‌ها ظاهر می‌شود»<sup>2</sup>.

خطابی رحمه الله می فرماید: ما آن را از مشرق می یابیم و هر که در مدینه زندگی کند آن را در صحرای عراق و اطراف آن می یابیم که مشرق اهل

---

<sup>1</sup> . البخاري (6680).

<sup>2</sup> . البخاري (990)، (6681)، والترمذي (3953).

مدینه است"<sup>1</sup>.

- از سالم بن عبدالله بن عمر می گوید: ای مردم عراق، من از شما در مورد صغیر سؤال نمی کنم و شما را به بزرگی مجبور می کنم! از اباعبدالله بن عمر شنیدم که می گفت: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: (وسوسه از اینجا می آید) و با دست به طرف مشرق اشاره کرد، (از آنجا که شاخ شیطان است). ظاهر شود)<sup>2</sup>.

از فرموده صلوات الله علیه و آله و سلم، روایاتی در مورد طعور قطع با دلالت به خاطر ممالک مشرق مراد وارد شده است: (فتنه در مقابل اسلام) برخلاف ادعای شیعیان شیعه. ، که اشاره به خیانت عایشه بودا است. اگر از این راضی هستید، به ندرت داغ است و این چیزی است که ما باید در مورد آن بدانیم<sup>3</sup>.

---

<sup>1</sup> . فتح الباري (13/7).

<sup>2</sup> . مسلم (2905).

<sup>3</sup> . انظر كتاب: "سيرة أمير المؤمنين علي بن أبي طالب/ الدكتور علي الصلابي" (593/1)، وكتاب: "الاتصار للصحب والآل من افتراءات السماوي الضال/ إبراهيم الرحيلي": ص (455).

کفاره و لعن آنها بر نسلی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم  
آن را تربیت کرد.

عقیده رافضه بر اساس اهانت و نفرین به صحابه رضی الله عنه و کافر  
اعلام نمودن آنان است که نسلی را که این دین را به ما منتقل کرده و وحی  
را زیسته و از مکتب رسول الله صلی الله علیه و سلم فارغ التحصیل شده  
اند. خداوند صلی الله علیه و آله و سلم آن را با زشت ترین القاب و  
صفات وصف کردند و با وجود سفارشی که به قرآن کریم داشتند، آن را  
بدترین نسل قرار دادند. صلوات الله علیه و آله و سلم از لعن و نکوهش  
منع فرموده است از ابوسعید خدری رضی الله عنه می فرماید: رسول الله  
صلی الله علیه و سلم. گفت: به اصحاب من لعنت مکن، زیرا اگر یکی از  
شما به اندازه احد طلا خرج کند، حتی نیمی از گل هیچ یک از آنها را  
خرج نکرده است".<sup>1</sup>

این حمله شدید علمای شیعه به صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم،  
توطئه این افراد علیه اسلام و تلاش برای نابودی آن از درون، به دلیل به

---

<sup>1</sup> . رواه البخاري: رقم (3379).

چالش کشیدن ناقل شریعت را برای ما آشکار می کند. به ما می خواهد که هر چه را که نقل کرده باطل کند، پس دین باطل می شود و دین دیگری جایگزین آن می شود که پایه گذاران آن این عقیده باطل را تایید می کنند و این توهین آشکار به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است سلام، زیرا صحابه رضی الله عنه از مکتب او رضی الله عنه فارغ التحصیل شدند و مورد تربیت آن حضرت قرار گرفتند، پس تهمت زدن به آنان تهمت به معلمی است که آنها را تربیت کرده است و به همین دلیل امام مالک رحمه الله از رافضیان می گوید: «قومی که می خواستند به رسول خدا صلی الله علیه و آله حمله کنند، ولی نتوانستند، به آنها حمله کردند. اصحاب، تا کسی بگوید: انسان بد، اصحاب بدی داشت و اگر مرد خوب بود، اصحابش خوب بودند»<sup>1</sup>.

---

<sup>1</sup> . ذكره ابن تيمية في الصارم المسلول (ص 580).

## الخاتمة

پس از ارائه تمامی روایات فوق که ایشان به امامان معصوم خود نسبت داده اند و سخنان مراجع و علمای ایشان چه در گذشته و چه متأخر، موضع واقعی علمای شیعه دوازده امامی در قبال ایشان برای شما خواننده گرامی روشن شد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و از بقیه انبیاء علیهم السلام.

- دین رضی الله عنه و صداقتش را به چالش کشیدند و او را متهم کردند که دعوت را آنگونه که خدا خواسته است نرسانده است.
- و اینکه همه مفاهیم و مبانی عدل را به کار نبرده و اعمال کننده آنها مهدی ادعایی آنهاست.
- ارزش و مقام او را خوار شمردند و ائمه را بر او ترجیح دادند.



- - ادعا می کردند که نجاست بر او و سایر انبیا - به دور از همه آنها - غیر از ائمه و معصومینشان رسیده است.

- او را ترسو و بی رغبت توصیف کردند که به علی رضی الله عنه جرات داد که به او رضی الله عنه داده نشد.

- - ادعا کردند که مرتبه کسی که از آن بهره فراوان می برد، همان مرتبه پیامبر صلی الله علیه و آله است.

- او را متهم کردند که رضی الله عنه به عورت زنان نگاه می کند و سینه دخترش فاطمه رضی الله عنه را می بوسد.

- به عزت و جوانمردی او تاختند و همسرش مادر مؤمنان عایشه رضی الله عنها را به فحشا متهم کردند.

آیا بعد از همه اینها حقیقت عقیده شیعه نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و بقیه انبیاء علیهم السلام بر مسلمانان گم می شود؟

آیا اهل سنت فریب شعارهای وحدت را خواهند خورد؟ آیا طرفداران تقریب به این حقیقت پی خواهند برد که شیعیان معاصر هیچ تفاوتی با شیعیان گذشته ندارند و تفاوت آنها در میزان تقوای آنهاست؟

این خمینی، نماد شیعیان امامیه در این عصر، در نقد پیامبر صلی الله علیه و آله در کتابها و خطبه های خود تبهر داشت.

کتاب شیعیان امامیه که مملو از این روایات است تا به امروز چاپ و فروخته می شود و با این حال به اتحاد و تقریب خود می بالند!

از خداوند می خواهیم که به همه مسلمانان کمک کند تا حقیقت و خطر عقیده شیعه امامیه را که پیروان آن برای گسترش آن در کشورهای اسلامی تلاش می کنند، درک کنند.

وصلی الله وسلم وبارك علی نبینا محمد وعلی آله وصحبه أجمعین.

وثائق مصورة

## الفهرس

2	بسم الله الرحمن الرحيم .....
3	مقدمة .....
6	الفصل الأول: وفيه مبحثان .....
8	المبحث الأول: عقيدة أهل السنة في النبي صلى الله عليه وسلم وسائر الأنبياء عليهم السلام .
18	النبي صلى الله عليه وسلم لم يترك شيئاً إلا وبلغه: .....
22	نظرة أهل السنة إلى باقي الأنبياء: .....
29	عصمة الأنبياء عليهم السلام: .....
33	المبحث الثاني: منزلة الإمامة عند الشيعة الإمامية الاثني عشرية .....
35	الإمامة استمرار للنبوّة .....
38	الفصل الثاني: .....
46	الطعن في النبي صلى الله عليه وسلم .....
46	وفي سائر الأنبياء والمرسلين .....
39	وفيه مبحثان: .....
41	المبحث الأول: طعنهم في الأنبياء عليهم السلام ما عدا النبي صلى الله عليه وسلم .....

- الأئمة أفضل من جميع الأنبياء والرسل ما عدا محمد صلى الله عليه وسلم ..... 50
- شيخهم المجلسي يدعي أنّ أولي العزم إنما صاروا أولي العزم بحبهم للأئمة!! ..... 44
- الأئمة أعلم من الأنبياء عليهم السلام ..... 45
- كل ما حصل للأنبياء من بلاء سببه عدم إقرارهم بولاية الأئمة!! ..... 47
- إخراج آدم وحواء عليهما السلام من الجنة سببه حسدهما آل البيت!! ..... 49
- اتهام آدم عليه السلام بالوقوع في أصل من أصول الكفر!! ..... 51
- الخميني ينتقص من قدر الأنبياء ويجعلهم في منزلة دون منزلة أئمتهم!! ..... 51
- الخميني يدعي أن النبوة مكتسبة ..... 53
- المبحث الثاني: الطعن في النبي صلى الله عليه وسلم ..... 67
- علي بن أبي طالب رضي الله عنه أعلى مرتبة من النبي صلى الله عليه وسلم!! ..... 68
- لولا علي وفاطمة لما خلق الله النبي صلى الله عليه وسلم! ..... 59
- المعتمد واثق الشمري: لولا ولاية علي لكانت رسالة رسول الله صلى الله عليه وسلم عبثا غير مكتملة!! 73
- هادي الربيعي: النبي صلى الله عليه وسلم لا يدخل الجنة إلا بعد إذن فاطمة! ..... 74
- معاصي الشيعة ذنوبٌ في صحيفة النبي صلى الله عليه وسلم ..... 62
- الكليني عقد بابا في الكافي بعنوان: ..... 77
- زعمهم أن النبي صلى الله عليه وسلم كان يبطن خلاف ما يظهر! ..... 64
- 68 شيخهم نعمة الله الجزائري يزعم أن عليا رضي الله عنه أعطي شجاعة لم يعطها النبي صلى الله عليه وسلم!!
- 84 طعن شيخهم شهاب الدين النجفي في النبي صلى الله عليه وسلم واتهامه بعدم إظهار جميع أحكام الدين!!
- النبي صلى الله عليه وسلم لم يُرسل إلا لتبليغ ولاية علي، ولو لم يفعل لحبط عمله!! .. 71
- 87 الخميني يتهم النبي صلى الله عليه وسلم بعدم تبليغ الرسالة كما أمره الله وأنه سبب في اقتتال المسلمين!!
- علي وذريته يسبقون النبي صلى الله عليه وسلم في حادثة المعراج!! ..... 74

- النبي صلى الله عليه وسلم لم يُرفع شأنه إلا بعلي!! ..... 77
- اتهام النبي صلى الله عليه وسلم بالنظر المحرم إلى النساء!! ..... 95
- اتهام رسول الله صلى الله عليه وسلم في عرضه وغيرته..... 79
- النبي صلى الله عليه وسلم كان لا ينام حتى يقبل ثديي فاطمة رضي الله عنها!!..... 80
- تفسير البعوضة الواردة في القرآن بعلي وما فوقها النبي صلى الله عليه وسلم!!..... 100
- النبي صلى الله عليه وسلم يرد أمراً بشره الله به!! ..... 101
- المكثر من التمتع درجته كدرجة النبي صلى الله عليه!!..... 84
- الخميني يتهم الأنبياء عامة والنبي صلى الله عليه وسلم خاصة بأنهم لم ينجحوا في رسالتهم!! 105
- الخميني يتهم النبي صلى الله عليه وسلم بالخوف من تبليغ أمر الله خشية أن يصاب القرآن بالتحريف!!
- ..... 106
- الخميني يقول: إن النبي صلى الله عليه وسلم لم يستطع تحقيق الحكومة التي يريدونها!!... 87
- الخميني يقول: إن علينا كل شيء لدينا ويحتل المرتبة الأولى في جميع الأبعاد الإنسانية، وعلينا جميعاً أن نتبعه 90
- الخميني يعتبر عيد ميلاد المهدي أكبر من عيد ميلاد النبي صلى الله عليه وسلم!!... 111
- الخميني يقول: إن علينا لو ظهر قبل النبي لأظهر الشريعة، ولكان نبياً مرسلًا!!..... 111
- الخميني يدعي أن شعب إيران أفضل من أهل الحجاز في عهد رسول الله صلى الله عليه وسلم 93
- المعظم حسين المدرسي يتهم النبي صلى الله عليه بالخوف والجبن وأنه عصى ربه ولم يبلغ ولاية عليّ إلا بتهديد من الله
- ..... 113
- نعمة الله الجزائري بأن علياً رضي الله عنه أعطي شجاعة لم يعطها النبي صلى الله عليه وسلم!! 94
- الأئمة لا يُحملون في البطون ولا يُخرجون من الأرحام ولا تنالهم الدناسة!!..... 114
- زعمهم أن زينب ورقية وأم كلثوم لسن من بنات النبي صلى الله عليه وسلم!!..... 95
- إصرار علمائهم على الطعن في عرض أم المؤمنين عائشة رضي الله عنها زوج رسول الله صلى الله عليه وسلم 98

121	..... بيت النبي صلى الله عليه ومنه يطلع قرن الشيطان!!
104	..... تكفيرهم ولعنهم للجيل الذي ترى على يدي رسول الله صلى الله عليه وسلم
128	..... الخاتمة
131	..... وثائق مصورة
132	..... الفهرس